

۱۰ جمادی الاخر، اوضاع تهران پر تلاطم بود. مجلس جلسه داشت و گروه‌های مختلف اعتراض خود را نسبت به انتصاب سعدالدوله به اطلاع شاه می‌رساندند. آلمانی‌ها نیز توانستند خبر ورود سی هزار سرباز روسی را به شهر شایع کنند. نمایندگان متفقین می‌بایست استراتژی خود را با یک چنین وضعیتی تطبیق دهند. عصر همان روز، سه وزیر مختار متفقین برای شرکت در جلسه‌ای دیگر، این بار در در سفارت فرانسه، گرد آمدند. شرایط چندان مساعد نبود؛ زیرا کاردار روسیه اطلاع داده بود که روسیه فعلاً نمی‌تواند به ایران نیرو اعزام کند، در حالی که به نظر لوکنت اعزام نفرات «تنها وسیله‌ای بود که می‌توانست [...] موفقیت برنامه‌ی مقابله با سعدالدوله را تضمین کند.» به این ترتیب «تصمیم گرفته شد از اتخاذ شیوه‌های استثنایی» یا به زبانی روشن تر از کودتا «صرف نظر شود.» تشکیل کابینه‌ای به ریاست عین‌الدوله مد نظر قرار گرفت و گفتگو با وی همان روز آغاز شد. وزیر مختار فرانسه که فعالانه در این مذاکرات شرکت داشت، پس از شب بیداری، از «این خوی علاج ناپذیر اطاله کلام در یک مرد سالخورده ایرانی، مانند عین‌الدوله» شکوه می‌کند که «بعد از هشتاد سال هنوز اهمیت زمان را درک نکرده است.»<sup>۱</sup>

تشکیل دو جلسه دیدار میان سه نماینده متفقین و نیز مذاکرات لوکنت برای جلب موافقت عین‌الدوله به قبول نخست‌وزیری، می‌تواند به خوبی نمایانگر نقش مهم و فعال وزیر مختار فرانسه در تبیین سیاست متفقین در ایران باشد. از سومین جلسه، که روز بعد در سفارت انگلیس تشکیل شد، شواهد مشخص‌تر و روشن‌کننده‌تری دال بر نفوذ فرانسه در این زمینه به دست می‌آید.

باخ و مارلینگ، که از مذاکرات دشوار و خسته‌کننده با عین‌الدوله کلافه شده بودند، می‌خواستند دوباره به سراغ سعدالدوله و «برنامه سرکوبگرانه او» بروند، بی‌آنکه روی نیروهای تقویتی روسیه حساب کرده باشند. وزیر مختار فرانسه، که در این باره «همتایانش [...] با او مشورت کردند»، با حفظ خونسردی خود خطرهای آشکار یک اقدام عجولانه را یادآور شد و از آن‌ها پرسید:

آیا می‌توان بدون قدرت و یا حداقل برخوردار از اکثریت امکانات، نقش یک وزیر جنگ را ایفا کرد؟

1. Lecomte à Delcassé, *ibid.*

لوکنت عواقب ناگوار شکست احتمالی را به خوبی پیش‌بینی می‌کرد:  
 اگر ما شکست بخوریم و موفق به پیوستن ایران به صف خود نشویم،  
 این کشور ناگزیر خواهد شد که به گروه دیگر بپیوندد.

بدینسان، مخالفت وزیر مختار فرانسه سبب شد که متفقین توسل به هر گونه  
 اقدام ماجراجویانه را کنار بگذارند:

[در ...] چنین شرایطی بود که من از تصویب این اقدام مخاطره‌آمیز  
 امتناع کردم، زیرا ممکن بود از طرفی موجب تدارک یک دشمن اضافی  
 (اگرچه نه چندان هراسناک) برای کشور ما، که تا این اندازه گرفتار  
 است، شود و از طرف دیگر وجهه آلمان را افزایش دهد و این امکان را  
 برای این کشور فراهم سازد که در قدرت بسیار مهم اسلامی را تحت  
 لوای خود درآورد. ما حق شرکت در چنین قماری را نداریم.<sup>۱</sup>

لوکنت موفق شد حرف خود را به کرسی بنشانند. همچنین مقرر گردید کابینه  
 عین‌الدوله، که همان روز از جانب شاه منصوب شده بود، موقتاً تأیید شود.  
 ضمناً تصمیماتی نیز برای نجات بانک شاهنشاهی اتخاذ شد؛ تصمیماتی که  
 عین‌الدوله آن‌ها را با زور و تهدید به تصویب مجلس رسانید. به موجب قانونی  
 که به تصویب رسید، مقرر شد اسکناس‌های بانک شاهنشاهی ایران از ۲۸ آوریل  
 ۱۳/۱۹۱۵ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ به مدت شصت روز در پایتخت الزاماً در جریان  
 باشد.<sup>۲</sup> امیدواری‌هایی که در مورد پایان دادن قطعی به نفوذ آلمان پدید آمده بود،  
 برآورده نشد،<sup>۳</sup> اما توطئه جاری علیه بانک انگلیسی خنثی گردید.

1. *Ibid*

۲. نگاه کنید به ترجمه فرانسوی قانون مصوب ۲۷ آوریل ۱۹۱۵ / ۱۲ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳،  
 پیوست گزارش ۲۸ آوریل لوکنت (*Ibid*).

۳. در این فاصله، در روز ۲۶ آوریل ۱۹۱۵ پرنس روپس وزیر مختار آلمان همچون یک  
 «ناجی ایران» به پایتخت وارد شده و «گروه کنیری از مردم که در طرفین مسیر او در شهر  
 ایستاده بودند و به سویش بوسه می‌فرستادند و گل پرتاب می‌کردند» از او استقبال نمودند.  
 رجوع کنید به:

Anonyme à Ministère des Affaires étrangères, Téhéran, le 13 mai 1915, AMAEF, NS,  
 Perse, vol. 19, N° ۳ 88.

البته این فقط یک پیروزی نسبی بود<sup>۱</sup> که وزیر مختار از آن ابراز خشنودی می‌کرد؛ موفقیتی که «چنانچه با حمله مستقیم به آلمانی‌ها توأم نمی‌شد، دست کمی از یک شکست واقعی در برابر نیرنگ‌های آن‌ها نداشت.» به نظر لوکنت، هماهنگی تلاش‌های روس‌ها و انگلیسی‌ها دلیل اصلی این موفقیت نسبی بود؛ برای نخستین بار شاهد بودیم که دو نمایندگی سیاسی، که تا دیروز بر اثر اختلاف‌نظرهای تأسف‌آور کاملاً ناتوان بودند، اکنون دوستانه و با حسن نیت و گذشت بسیار با یکدیگر همکاری می‌کردند.<sup>۲</sup>

شیوه وزیر مختار فرانسه در شرح رویدادها به خوبی تمایل او را برای معرفی خود به عنوان محرک اصلی این همکاری «بسیار دوستانه» روس‌ها و انگلیسی‌ها نشان می‌دهد. اما حتی با پذیرفتن این موضوع که احتمالاً لوکنت خواسته است کار خود را از بزرگ جلوه دهد، آیا به راستی وی با استفاده از نفوذ خود بر نمایندگان سیاسی متفقین از بروز یک درگیری نابه‌هنگام، که ممکن بود برای موقعیت آنان در ایران عواقب ناگوار داشته باشد، جلوگیری کرده است؟ و دیگر آنکه اگر بازهم دورتر برویم، آیا این نفوذ فرانسه بود که سرانجام در آوریل ۱۹۱۵ / جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ مانع از آن شد که روسیه و انگلستان به همان سرنوشتی دچار شوند که آلمانی‌ها در نوامبر ۱۹۱۵ در وضعیتی کم و بیش

۱ - اما لوکنت تا آنجا که به او مربوط می‌شد، کوشید که این بازگشت را یک صحنه‌سازی مضحک توصیف کند. رجوع کنید به:

Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 28 avril 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 33, f° 82.

۲. در واقع، هنگامی که دوره اجباری گردش اسکناس‌های بانک شاهنشاهی در ۲۶ ژوئن ۱۹۱۵ / ۱۲ رجب ۱۳۳۳ به پایان رسید، وضعیت بانک کاملاً مساعد بود و برای پاسخگویی به مراجعان ذخیره کافی در اختیار داشت. رجوع کنید به:

Jones, *Banking*, op. cit., p. 173.

با این حال، بلافاصله پس از آغاز این دوره اجباری، اعتماد مردم نسبت به بانک بسیار کم شد؛ عدم اعتمادی که نتیجه «شایعات زیانبار» آلمانی‌ها بود. در بازار، در برابر هر اسکناس یک تومانی، یعنی ده فرانی، هشت با حتی فقط پنج قران نقره داده می‌شد و کاسب‌ها مازاد پول کسانی را که با اسکناس خرید می‌کردند به آن‌ها پس نمی‌دادند. رجوع کنید به:

Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 5 mai 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 35, f° 92.

2. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 28 avril 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 33,

مشابه، ناگزیر شدند به آن تن در دهند؟

بی‌تردید، بدون توسل به حدسیات نمی‌توان به این پرسش‌ها پاسخ گفت. با این حال، به دنبال مطالعه رویدادها، طرح چنین پرسش‌هایی نشانه اهمیت تأثیر فرانسه بر جریان‌های سیاسی در ایران است.

### پ. «نقشه جنگی» وزیر مختار فرانسه در ۴ مه ۱۹۱۵

خشنودی ناشی از نجات بانک شاهنشاهی ایران چندان دوام نیافت. بلافاصله پس از بازگشت پرنس رویس به پایتخت، فعالیت آلمانی‌ها در تهران شدت بیشتری گرفت. آلمانی‌ها نه فقط توانستند تصمیمات مالی متفقین را «بی‌اثر» کنند، بلکه قاطعانه دست به اجرای یک برنامه «تدارکاتی خصومت‌آمیز» زدند. آن‌ها بیش از هر چیز ذخایر بزرگ اسلحه در اختیار داشتند: سلاح‌هایی که کاروان وزیر مختار آن‌ها را با خود به ایران آورده بود و نیز شش هزار تفنگ ماوزر که رسماً متعلق به ژاندارمری بود. این تفنگ‌ها را فن‌کار دورف در ژانویه ۱۹۱۵ / صفر - ربیع‌الاول ۱۳۳۳ به هزینه سفارت آلمان از بوشهر به تهران حمل کرده بود.<sup>۱</sup>

این دومین بار بود که آلمانی‌ها با استفاده از یک چنین وسایل جنگی دست به تشکیل «گروه نظامی» می‌زدند. برای این کار، آن‌ها از اسرای جنگی اتریش - مجارستان، که از اردوگاه‌های اسرا در ترکستان روسیه فرار کرده و موفق به آمدن به ایران شده بودند، استفاده کردند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، آلمانی‌ها «افرادی را از میان

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 5 mai 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 35, p. 92.

شش هزار تفنگ ساخت آلمان را ژاندارمری در سال ۱۹۱۳ سفارش داده بود. هنگامی که در سال ۱۹۱۴ این محموله به ایران رسید، به دلیل اینکه دولت نتوانست از عهده پرداخت هزینه حمل آن برآید، به انبار ارسال شد. در ژانویه ۱۹۱۵ / صفر - ربیع‌الاول ۱۳۳۳، به دستور و با کمک آلمانی‌ها که نگران بودند مبادا تفنگ‌ها به دست انگلیسی‌ها بیفتند، ناگهان محموله از بوشهر خارج شد. همچنین رجوع کنید به:

Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 31 mars 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 13, N° 26, p. 181.

2. Wolfdieter Bihl, Eine Quelle zur österreichisch-ungarischen Persienpolitik, in: *Militärgeschichtliche Mitteilungen*, 23 (1978), p. 80.

بیکاران تهران، با دادن یک تفنگ همراه با مهمات و پرداخت روزانه چهار قران، اجیر می‌کردند.<sup>۱</sup>

لوکنت به سرعت دریافت که کابینه عین‌الدوله به هیچ روی پاسخگوی انتظارات متفقین نیست. عین‌الدوله علیه تدارکات آلمانی‌ها اقدامی نمی‌کرد. او اتریشی - مجارها را «جهانگردانی آزاد و بی‌آزار» می‌دانست. لوکنت در مورد عین‌الدوله می‌گوید: «در برابر دشمنان ما همان رویه دولت‌های سابق را در پیش گرفته بود؛ دولت‌هایی که گرویدن به اردوی ما را افتخاری برای خود نمی‌شمردند.»

وزیر مختار فرانسه نمی‌تواند از اعتراف به این موضوع خودداری کند که یک بار دیگر [...] ایرانیانی که سر سپرده انگلستان بودند یا با روس‌ها سر و سری داشتند، محافظه‌کارانه یا از سر آز از تأثیرات نفوذ آلمان نیز مصون نمی‌ماندند.

نیازی نبود که لوکنت برای یافتن عاملان این اوضاع اسفبار راه دوری برود، زیرا مسببان همانا متحدان خود او بودند. او ده روز پس از همکاری بسیار رضایت‌بخش آنان، به قول خودش، از آن‌ها انتقاد کوبنده‌ای می‌کند که باعث تعجب می‌شود، زیرا دو متفق فرانسه به تجربه دریافته بودند که

لازم است صدایی قدرتمندتر از صدای دیپلمات‌ها را به گوش سیاستمداران برسانند - سیاستمدارانی که به ناتوانی دیپلمات‌ها می‌خندیدند - اما هیچ‌گاه نیاتشان را جامه عمل نپوشاندند.

→ تعداد این افراد حدود صد نفر بود که پس از ورود به ایران بازداشت شده بودند. این عده بعدها به موجب عهدنامه لاهه آزاد شدند و تا پایان سال ۱۹۱۵ - آغاز ۱۹۱۶ / صفر ۱۳۳۴ در ایران ماندند و پس از آن اکثراً به اتریش - مجارستان بازگشتند. این افراد در تهران تحت فرمان کننل هلر (Heller) بودند و به همین سبب آلمانی‌ها در نظر داشتند برای تشکیل هسته مرکزی بک لشکر ضد متفقین از آنان استفاده کنند. اما همکاری آلمانی‌ها با اتریش - مجارها، برخلاف آنچه که از گزارش‌های وزیر مختار فرانسه برمی‌آید، همیشه هماهنگ نبود. میان دو وزیر مختار کشمکش وجود داشت و علاوه بر آن، برخی مقامات عالی‌رتبه به طور کلی نسبت به سردمندی بودن فعالیت‌های آلمان در ایران مردد بودند. رجوع کنید به:

*Ibid.*, p. 79; Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., pp. 176 et 179 sq.

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 5 mai 1915, *AMAEF*, NS, *Perse*, vol. 19, N° 35, P° 92.

در چنین شرایطی، که به سبب گسترش دامنه تحریکات آلمانی‌ها بسیار نامساعد و نگران‌کننده ارزیابی می‌شد، وزیر مختار فرانسه در جلسه‌ای در روز ۴ مه ۱۹۱۵/۱۹ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ با همتایان متفق خود یک «نقشه جنگی» برای «رویارویی با تهاجم آلمانی‌ها»، که انتظار آن می‌رفت، پیشنهاد کرد. لوکنت، که او را در نقش یک میانجی منطقی و متعادل دیده بودیم، اکنون آماده بود تا از متحدان خود پیشی بگیرد و به گفته خودش «تصمیم شدید»ی اتخاذ کند.

علاوه بر این، سازانف<sup>۱</sup> وزیر امور خارجه روسیه وعده داده بود که سریعاً یک دسته پانصد نفری به ایران اعزام خواهد کرد. این وعده امیدوارکننده وزیر مختار فرانسه را در اجرای تصمیم خود برای مبارزه دلگرم کرد.<sup>۲</sup> لوکنت توانست همتایان متحد خود را متقاعد کند تا همگی از حکومت روسیه تقاضا کنند که ظرف یک هفته پنج هزار سرباز به ایران بفرستد. او همچنین کوشید دواتر<sup>۳</sup> را ترغیب کند تا فرمان حرکت قزاق‌های مستقر در قزوین را به طرف تهران صادر کند؛ زیرا نقشه وزیر مختار فرانسه این بود که «ورود قزاق‌ها به تهران را با اعلام پیاده شدن نیروهای کمکی به باکو»، که آن‌ها نیز می‌بایست به سوی تهران پیشروی می‌کردند، همزمان سازد.

لوکنت هرگز عواقب ناگواری را که اجرای نقشه او ممکن بود در برداشته باشد انکار نکرد. او خود اذعان کرد که دشمن می‌توانست حکومت ایران را وادار به مقابله نظامی با نیروهای روسی بکند و نیز قادر بود «لشکر کوچک» خود و همچنین نیروی ژاندارمری را به حرکت درآورد. اما موفقیت احتمالی این نقشه به تنهایی پذیرش این خطرها را توجیه می‌کرد؛ زیرا پس از

ورود نیروهای روسی، که در پیروزی آنان تردیدی نیست، گروه ما صاحب اختیار حکومت خواهد شد. ایران یا باید با ما همگام شود یا خود را همچنان با افسانه بی‌طرفی دلخوش سازد که در آن صورت ادامه

1. Sazonov

۲. این نوبت را دواتر، وزیر مختار جدید روسیه که در ۲ مه ۱۹۱۵/۱۷ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ به تهران وارد شد، با خود از پتروگراد آورده بود. رجوع کنید به:

Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 5 mai 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 35, f° 92

۳. سفیر جدید روسیه، در ایران به فن‌اتر (Von Etter) شهرت داشت، اما در اینجا دواتر نامیده شده است. م.

حضور آلمانی‌ها و عثمانی‌ها در تهران دشوار خواهد بود. پس از بیرون راندن دشمن از پایتخت، سرانجام خود را در وضعیتی مشخص‌تر و مناسب‌تر برای فعالیت‌های دیپلماتیک، نسبت [...] به سردرگمی خطرناک کنونی خواهیم یافت.

با وجود فشار شدید لوکنت<sup>۱</sup>، دواتر در اینکه به قزاق‌های قزوین فرمان پیشروی بدهد تردید کرد. و این تردید در آن هنگام مانع از آغاز نبردی شد که وزیر مختار فرانسه پیش‌بینی کرده بود. تصورش را بکنید: این همان نماینده روسیه، یعنی مظهر خونریزی‌های مکرر و تجاوزات مداوم به تمامیت و استقلال ایران در آن دوران بود که اینک در برابر نقشه متهورانه فرانسه خود را عقب می‌کشید!

وزیر مختار فرانسه و ظاهراً همتای مردد او نیز از نتایج احتمالی یک چنین دستوری کاملاً آگاه بودند. پیشروی قزاق‌ها از قزوین به سوی تهران دولت‌های متفق را در شرایطی قرار می‌داد که ناگزیر می‌بایست برای تحقق «نقشه لوکنت» نیروهای تقویتی روسی به منطقه اعزام می‌کردند. لحن فوری یا بهتر بگوییم مبالغه‌آمیز تلگرامی که بلافاصله لوکنت به پاریس فرستاد<sup>۲</sup> تا وزارت امور خارجه فرانسه دولت‌های متحد خود را برای همکاری در اجرای این نقشه تحت فشار قرار دهد، در جدی بودن تدارکات وزیر مختار فرانسه جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌گذاشت. او می‌خواست یک ضربه کارساز به آلمانی‌ها وارد

۱. «اصرار من به او در این بود که تا رسیدن نیروهای کمکی، که در کم‌تر از یک هفته به ایران نمی‌رسیدند، ترتیبی بدهد که چند صد نفر از افراد مستقر در قزوین به تهران بیایند. آقای دواتر تردید کرد [...] ولی این قول را داد که به آن‌ها تلگراف کند که آماده حرکت باشند.» رجوع کنید به:

Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 5 mai 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 35, f° 92.

۲. لوکنت اعلام کرد که رفتار کابینه عین‌الدوله «حتی ملایم‌ترین ما را نیز متقاعد کرده است که جز با تهدید نمی‌توان حکومت ایران را وادار کرد که بدون جانب‌داری، به بی‌طرفی خود احترام بگذارد» و اگر ما اقدامی نکنیم، آلمانی‌ها می‌توانند «تا چند روز دیگر تهران را تصرف کنند.» رجوع کنید به:

Télégramme de Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 5 mai, AMAEF, NS, Perse, vol. 19,

N° 33, f° 90.

کند.

پاسخ «منفی» دولت انگلستان عاقبت مانع از به اجرا درآمدن «نقشه جنگی» فرانسه شد. انگلیسی‌ها در لندن ناگزیر بودند نگرانی حکومت هند را در نظر داشته باشند، زیرا هند «به شدت خواستار احتراز از ایجاد حالت جنگی با ایران بود [...] که] احتمالاً به ورود نیروهای روسی به تهران منجر می‌شد.» در ۱۴ مه ۱۹۱۵ / ۲۹ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ وزارت امور خارجه فرانسه مطلع شد که انگلیسی‌ها با نقشه فرانسه موافق نیستند.<sup>۱</sup>

این واقعه بار دیگر نقش مهم دیپلماسی فرانسه را در سیاست متفقین در ایران نشان داد. اگر آن را با رویدادهای گذشته مقایسه کنیم، شاید بیشتر بتوانیم به نقش مؤثر فرانسه پی ببریم. دیدیم که وزیر مختار فرانسه فقط به نصیحت کردن همقطاران خود در محل اکتفا نمی‌کند، بلکه نظر خود را برای به کارگیری یک روش تهاجمی علیه آلمانی‌ها مطرح می‌سازد. نقشه او در پایتخت‌های کشورهای متفق بررسی و چنین نتیجه گرفته می‌شود که برنامه فرانسه، حداقل در آن برهه از زمان، تندروانه‌تر از برنامه‌های متحدانش است؛ متحدانی که در واقع به مراتب بیش از فرانسه در امور ایران دخیل بودند.

این پرسش مطرح می‌شود که وزیر مختار فرانسه، که به هنگام ارزیابی اوضاع از نظرات او آگاه شدیم، چگونه ناگهان تغییر روش می‌دهد؟ در ۲۳ آوریل ۱۹۱۵ / ۸ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ او با توجه به خطراتی که عدم تکافوی نفرات می‌توانست در برداشته باشد، همه کوشش خود را به کاربرد تا مانع از بروز درگیری شود. اما دو هفته بعد، در حالی که تقریباً هیچ تغییری در قوای روس صورت نگرفته بود،<sup>۲</sup> لوکنت با ارائه پیشنهادی به وزیر مختار روسیه مبنی بر اینکه خود رأساً به نیروهای مستقر در قزوین دستور پیشروی به سوی تهران بدهد، تلاش کرد اوضاع را آشفته کند! البته باید تأثیر بازگشت وزیر مختار آلمان، تدارکات او و همکاری‌اش و اقدامات آلمانی‌ها برای بی‌اثر ساختن تصمیمات

1. Le télégramme de Fleuriau à Delcassé, Londres, le 13 mai 1915, *AMAEF, NS, Perse*, vol. 19, N° 977, p° 97.

۲. نگاه کنید به وعده سازانف مبنی بر اعزام پانصد سرباز روسی به ایران؛ نفراتی که به هر حال، تعدادشان در صورت بروز درگیری، به هیچ‌وجه کافی نبود (*Ibid*).



مربوط به نجات بانک شاهنشاهی ایران را هم در نظر داشته باشیم. لوکنت که از عدم تأیید برنامه‌اش سرخورده شده بود می‌بایست در برابر سرزنش‌های دیگران، به سبب تیره و تار نشان دادن اوضاع، از خود دفاع کند.<sup>۱</sup> وزیر مختار فرانسه در این مورد خاطر نشان ساخت که در پاسخی که وزارت امور خارجه انگلستان به فرانسه داده است، نظرات وزیر مختار انگلیس در تهران تحریف شده است.<sup>۲</sup> لوکنت بر وجود یک خطر واقعی همچنان پافشاری کرد. سرانجام، لوکنت گزارش یک «اقدام نفرت‌انگیز»<sup>۳</sup> جدید از طرف آلمانی‌ها را به پاریس فرستاد؛ رویدادی که گویی برای توجیه هشدارهای او ترتیب داده شده بود. در ۱۸ مه ۱۹۱۵ / ۴ رجب ۱۳۳۳ فن‌کاور، رئیس شعبه بانک استقراضی روس در اصفهان، در حمله افراد مسلح به اتومبیل او به قتل رسید.<sup>۴</sup> با آنکه مدرک قاطعی در این مورد وجود نداشت، وزیر مختار فرانسه دخالت آلمانی‌ها

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 19 mai 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 36, f° 100.*

۲. چنین تحریفی بسیار محتمل است. به نوشته اولسن، مارلینگ وزیر مختار انگلستان تعابیل به میالغه کردن و تاریک نشان دادن اوضاع داشت، زیرا می‌خواست «با فریاد زدن، صدای خود را از فراز همه‌دیگران به گوش برساند» و توجه کلیه کسانی را که در تعیین سیاست بریتانیا در ایران نقش داشتند، جلب کند. نگاه کنید به:

*Olson, Anglo-Iranian relations, op. cit., p. 83.*

3. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 19 mai 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 36, f° 100.*

۴. فن‌کاور (Von Kaver)، که از سال ۱۹۱۲ به اصفهان آمده بود، در جهت اهداف اقتصادی روس‌ها در منطقه اصفهان فعالیت فراوان کرده بود. او مباشر املاک ظل‌السلطان بزرگ‌ترین مالک منطقه بود که خود در پاریس و نیس زندگی می‌کرد. پیش از جنگ، میان روس‌ها و انگلیسی‌ها درباره ظل‌السلطان بگومگویی بسیار وجود داشت، زیرا انگلیسی‌ها به جانبداری از رؤسای بانفوذ ایل بختیاری که با ظل‌السلطان مخالف بودند، نسبت به فعالیت روس‌ها در اصفهان نظر خوشی نداشتند. بنابراین فن‌کاور خارج از اردوی آلمانی‌ها دشمنان دیگری نیز داشت. اما به هر حال، او به صورت «مظهر» مخالفت متفقین با فعالیت‌های آلمانی‌ها، به رهبری هوگین، درآمد بود. رجوع کنید به:

*Gehrke, Orientpolitik, op. cit., p. 13 sq. ainsi que p. 132.*

درباره فعالیت‌های اقتصادی فن‌کاور جزئیات جالبی در گزارش لوکنت وجود دارد. وزیر مختار فرانسه در این گزارش خشنودی خود را از موفقیت روس‌ها در برابر انگلیسی‌ها پنهان نکرده است. رجوع کنید به:

Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 26 mai 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 38, f° 138.*

را در این سوء قصد مسلم می‌دانست. در پس این قتل، که یک بار دیگر نمایانگر «خشونت آلمانی» بود، «پوگین بسیار معروف»<sup>۱</sup> قرار داشت. دربارهٔ این فرد پرشور می‌توان از خلال گزارش لوکنت به اطلاعات جدیدی دست یافت که حداقل یکی از آنها باید نقل شود.

این ماجراجوی شیلیایی، اندک یهودی و بیشتر آلمانی که از چهار سال پیش در ایران برای دشمنان ما کار می‌کند [...] از راه تبریز وارد این کشور شده و در آنجا با تظاهر به اینکه اصلاً فرانسوی است، از کنسول ما گذرنامه‌ای جاری اعلام حمایت دولت فرانسه دریافت کرده است.

ت. پایان مه ۱۹۱۵: تعرض همزمان دیپلماتیک کابینه عین‌الدوله نسبت به فرانسه و آلمان

در اواخر آوریل ۱۹۱۵ / اواسط جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ بین دولت عین‌الدوله و نمایندگان سیاسی روسیه و انگلستان مذاکراتی آغاز شد. کوشش متفقین بر این بود که حکومت ایران را وادار کنند تا رویهٔ تأییدآمیزتری نسبت به آنان در پیش گیرد. آن‌ها از عین‌الدوله خواستند که از اتخاذ تصمیم‌های جدی علیه فعالیت‌های بیش از پیش خطرناک آلمانی‌ها، به ویژه پس از حادثهٔ اصفهان، بیشتر از آن تردید نکند. این دو کشور در مقابل، آمادگی خود را برای مساعدت‌های مالی به ایران از جمله پذیرش تقاضای استمهال بازپرداخت بهره‌های وام هنگفت ایران اعلام کردند.

در نوامبر ۱۹۱۴ / ذیحجهٔ ۱۳۳۲ - محرم ۱۳۳۳ پس از ورود امپراتوری عثمانی به جنگ، متفقین برای بازپرداخت بهره‌ها تا پایان مارس ۱۹۱۵ / ۱۵ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ به ایران مهلت دادند. در پایان مارس ۱۹۱۵ هنگام مذاکره دربارهٔ تمدید این مهلت، مشیرالدوله نخست وزیر وقت پیشنهاد کرد که

۱. پس از شروع جنگ، پوگین که نمایندهٔ شرکت آلمانی هوخست (Hoechst) در اصفهان بود، یک برنامهٔ بسیار مؤثر تبلیغاتی را به اجرا گذاشت و هم او بود که مقدمات سفر هیئت نیدرمایر را، که اصفهان را به عنوان قرارگاه اصلی خود انتخاب کرده بودند، فراهم ساخت. Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 132, note 153.

آغاز این مهلت از ژانویه ۱۹۱۴ / صفر ۱۳۳۲ یعنی پانزده ماه قبل محاسبه شود. کوشش او بر این بود که شاید بتواند برای دولت ایران منابع مالی جدیدی پیدا کند تا ناگزیر به اخذ وام مجدد نشود؛ چیزی که بی تردید مجلس با آن مخالفت می‌کرد. فایده این استمهال این بود که متفقین ناگزیر می‌شدند بهره‌هایی را که از ژانویه تا نوامبر ۱۹۱۴ دریافت کرده بودند به اصطلاح «مسترد» کنند. به این ترتیب، بلافاصله مبلغ قابل توجهی پول نقد در اختیار دولت ایران قرار می‌گرفت. مشیرالدوله در توجیه پیشنهاد خود چنین استدلال کرد که اگر ایران وام جدیدی تقاضا کند، عثمانی آن را مخالفت با بی‌طرفی ایران تلقی خواهد کرد و از آن دستاویزی برای دخالت در امور ایران خواهد ساخت.<sup>۱</sup>

عین‌الدوله نیز در جریان مذاکرات خود با متفقین همین نظر را عنوان کرد. مسئله استمهال در تمام طول جنگ مطرح و به شکل‌های گوناگون محور روابط ایران با دو متفق، به ویژه با انگلستان، بود. این موضوع بعداً با طرح ایجاد یک نیروی جدید مسلح ایرانی درهم آمیخت؛ طرحی که در پایان سپتامبر - آغاز اکتبر ۱۹۱۴ / ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۲ علاءالسلطنه آن را در تقاضای استمهال برای باز پرداخت بهره‌ها گنجانیده بود و انگلیسی‌ها با آن مخالفت کرده بودند.

وظیفه این نیروی مسلح که به هزینه متفقین تشکیل می‌شد، مقابله با فعالیت‌های عثمانی‌ها و آلمانی‌ها و به ویژه مقابله با بخشی از ژاندارمری بود که با آلمانی‌ها همکاری می‌کرد. ایرانی‌ها همواره آرزوی ایجاد چنین نیرویی را داشتند تا بتوانند تقاضای خود مبنی بر خروج نیروهای خارجی، بخصوص روس‌ها، را از خاک ایران توجیه کنند. به این ترتیب ریشه‌های موافقت‌نامه سپهسالار، تشکیل پلیس جنوب و موافقت‌نامه انگلیس و ایران را در سال ۱۹۱۹ در این استمهال باز می‌یابیم.<sup>۲</sup>

در جریان این مذاکرات دولت عین‌الدوله به یک بازی واقعی سیاسی دست زد. او برای اینکه در این تعرض سیاسی حوزه عمل خود را در برابر روس‌ها و

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 31 mars 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 33, N° 27, f° 54.

2. Olson, *Anglo-Iranian Relations*, op. cit., passim., notamment pp. 57-60.

انگلیسی‌ها وسیع‌تر کند، به ویژه بر دو قدرت تکیه کرد: فرانسه و آلمان. پیش از آن، در ۲۷ مه ۱۹۱۵ / ۱۳ رجب ۱۳۳۳ دولت عین‌الدوله طی یادداشتی به سفارتخانه‌های بریتانیا و روسیه، موضوع استمهال را دوباره مطرح و علاوه بر آن خواسته‌های دیگری را نیز عنوان کرده بود:

– خروج نیروهای روسی

– لغو حمایت متفقین از برخی اتباع ایرانی و واگذاری آنان به سیستم قضایی ایران

– الغای کاپیتولاسیون؛ حقی که اتباع روسیه و انگلستان از آن برخوردار بودند.

– خودداری مأموران کنسولی روسیه در آذربایجان از دخالت در جمع‌آوری مالیات‌ها

مفاد این یادداشت از طرف هر دو سفارتخانه رد شد. خروج نیروهای روسی و استمهال بخصوص برای روس‌ها قابل قبول نبود. در مورد سه درخواست دیگر، روس‌ها تا اندازه‌ای نرمش نشان دادند.<sup>۱</sup>

در سوم ژوئن ۱۹۱۵ / ۲۰ رجب ۱۳۳۳ ایران خواسته‌های خود را مجدداً عنوان کرد. با آنکه در یادداشت جدید موضوع خروج نیروهای روسی و عدم دخالت در جمع‌آوری مالیات‌ها مطرح نشده بود، مارلینگ و دواتر حاضر نشدند به آن پاسخ بدهند.<sup>۲</sup> اقدام ایران در بهره‌برداری از اختلاف نظرهای موجود میان متفقین برای حفظ بی‌طرفی خود به همین‌جا ختم نشد. در ۸ ژوئن / ۲۵ رجب، عین‌الدوله ضمن مذاکرات محرمانه با وزیر مختار آلمان توانست نظر موافق او را نسبت به تصویب یک اعتبار فوری به مبلغ یک میلیون لیره عثمانی به دست آورد. علاوه بر این، آلمانی‌ها آماده بودند تا عثمانی‌ها را برای خارج کردن نیروهایشان از خاک ایران تحت فشار قرار دهند.<sup>۳</sup> در مقابل، رئیس‌الوزرای ایران

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 13 juin 1915. *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 42*, f° 131; Samad Khan à Delcassé, Paris, le 23 juin 1915. *AMAEF, NS, Perse, vol. 33*, sans N°, f° 68.

2. Olson, *Anglo-Iranian relations*, op cit., p. 86.

۳. در پایان فوریه ۱۹۱۵ / ۱۳ ربیع‌الآخر ۱۳۳۳ یک لشکر عثمانی با نزدیک به چهار هزار سرباز به فرماندهی رتوف‌بیگ از مرز ابران گذشت و وارد منطقه کرمانشاه شد. اولین

و عده داد که با آلمان روابط نزدیک‌تری برقرار سازد.

روز بعد، عین‌الدوله با در دست داشتن این موافقت امیدوارکننده، در ادامه طرح «تعرض دیپلماتیک» خود، به فرانسوی‌ها روی آورد. او وزیر مختار فرانسه را احضار کرد و از وی خواست که از نفوذ خود استفاده کند و از روس‌ها بخواهد تا نیروهای خود را از ایران خارج کنند و در مورد مفاد یادداشت ایران خطاب به متفقین نیز روش مسالمت‌آمیزتری در پیش گیرند.<sup>۱</sup> از طرف دیگر، یادداشتی در همین زمینه از جانب دولت ایران در ۲۳ ژوئن ۱۹۱۵ / ۱۰ شعبان ۱۳۳۳ توسط صمدخان وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه فرانسه تسلیم شد.<sup>۲</sup> بنابراین پیداست که ایرانی‌ها برای نقش میانجیگرانه فرانسه اهمیت زیادی قائل بودند. اکنون ببینیم فرانسوی‌ها چگونه از این موقعیت برای پیگیری مقاصد خود در راستای مقابله با فعالیت آلمانی‌ها در ایران استفاده کردند.

از نظر وزیر مختار فرانسه، عملکرد ایران چیزی نبود جز یک تحریک تازه از جانب آلمانی‌ها که توانسته بودند عملاً حکومت ایران را با اهداف خود همراه سازند. آلمانی‌ها می‌توانستند علناً به فعالیت خود ادامه دهند، زیرا حکومت ایران نه تنها آنان را آزاد گذاشته بود تا در نهایت آرامش اعمال تحریک‌آمیز خود

→ نه‌احم این گروه را عشایر منطقه دفع کردند. اما در آوریل ۱۹۱۵ / جمادی‌الاول - جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ رثوف‌بیگ بار دیگر حمله و قصرشیرین و سرپل را تصرف کرد این عملیات، که حتی گاه به تأیید وزارت جنگ عثمانی نیز نرسیده بود، نقش آلمانی‌ها را برای استفاده احتیاط‌آمیز از نیروهای مسلح خود به منظور رعایت ظاهری بی‌طرفی ایران مختل کرد. در همین ماه، فن وانگنهایم، سفیر آلمان در استانبول، بدون نتیجه از انور پاشا تقاضا کرد که رثوف‌بیگ را احضار کند. رجوع کنید به:

Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., pp. 26 sq., 54, 69, 73-75, 110, 121 sq. ainsi que 135 sq.

و نیز نگاه کنید به گزارش کارگزار کرمانشاه درباره تلاش شونمان برای میانجیگری (بنابراین مقامات حکومتی در نهران از جبهه‌های «مثبت» حضور این مأمور آلمانی در منطقه آگاه شده بودند) و همچنین رجوع کنید به تقاضای فوری صمصام‌الممالک رئیس اهل سنجابی از مجلس، که در آن تهدید کرده بود اگر حکومت نهران علیه رثوف‌بیگ اقدامی نکند، او خود شخصاً با وی و سپاهیان‌ش مقابله خواهد کرد. نگاه کنید به: ایران در جنگ جهانی اول، به کوشش کاوه بیات، ص ۵۰ به بعد.

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 13 juin 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 42.*

f° 131

2 Samad Khan à Delcassé, Paris, le 23 juin 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 33, sans*

N°, f° 68.

را انجام دهند، بلکه بدتر از آن «خواست‌های حقیرانه آنان را خاضعانه اطاعت می‌کرد.» با این حال، عدم اعتماد نسبت به عین‌الدوله مانع از آن نشد که لوکنت، پس از شنیدن درخواست رئیس الوزرای ایران، هشدارهایی به او بدهد.

لوکنت ابتدا عقیده خود را مبنی بر اینکه خط مشی ایران ناشی از القائات آلمانی‌هاست، از عین‌الدوله پنهان نکرد. فقط آلمانی‌ها از حضور نیروهای روسی ناراضی بودند و این موضوع نمی‌توانست تقاضای کابینه ایران را مبنی بر خروج آن‌ها توجیه و «یا حتی وزیر مختار فرانسه را [...] مأمور کند] تا از روشی که [...] وزیر مختار آلمان دیکته کرده است حمایت کند.» او به تکویش عین‌الدوله، به سبب آنکه کوچک‌ترین قدمی به نفع متفقین برنداشته و به خصوص در جهت نفوذ مثبت آنان در افکار عمومی تلاشی نکرده است، ادامه داد. لوکنت پس از سرزنش عین‌الدوله برای همدستی او با «آن بخش از مردم که طرفدار آلمان شده‌اند»، تا بدانجا پیش رفت که رئیس الوزرای ایران را تهدید و به او گوشزد کرد که «در روز تصفیه حساب نمی‌تواند به این روش خود به عنوان یک رفتار دوستانه استناد کند.» وزیر مختار فرانسه به سخنان ملامت‌آمیز خود خطاب به عین‌الدوله این‌گونه پایان داد:

نگذارید آلمانی‌ها، که پس از جنگ قادر به انجام هیچ کاری علیه ایران یا به سود آن نخواهند بود، شما را مرعوب کنند.

در ضمن، وزیر مختار فرانسه به نخست وزیر ایران سفارش کرد که پیش از آن که بسیار دیر شود با روس‌ها به تفاهم برسند:

به فردای جنگ بیندیشید و کاری کنید که بی‌درنگ مذاکرات روسیه و ایران، که از آغاز جنگ تاکنون با موافقت طرفین متوقف شده است، بی‌آنکه خسارات فراوان برای شما به بار آورد، از سر گرفته شود.

به نظر وزیر مختار فرانسه، فقط به شرط در پیش گرفتن این رفتار شایسته بود که ایران می‌توانست به «همکاری صادقانه و توأم با حسن نیت» وزیر مختار فرانسه و نیز «به فراموشی سپرده شدن خطاهای ناشی از تمایلات تأسف بار

خود که تصور همکاری با دشمنان [... ما] را القا می‌کرد، امیدوار باشد.<sup>۱</sup> مشاهده می‌کنیم که چگونه وزیر مختار فرانسه کوشیده است تا در برابر اوضاع نامساعدی که دشمن به وجود آورده بود، واکنش نشان دهد و بر مقامات سیاسی ایران و تصمیمات آنان مستقیماً اثر بگذارد. به سبب نبودن منابع کافی، دشوار است که بدانیم وزیر مختار فرانسه تا چه اندازه توانسته است سیاستمداران و مقامات عالی‌رتبه ایرانی را وادار به قبول نظرات خود کند.<sup>۲</sup> به هر حال، وزیر مختار فرانسه در مورد مذاکره با عین‌الدوله، با این اعتراف که «من خود را فریب نمی‌دهم که او را متقاعد کرده‌ام»، نشان می‌دهد که از محدودیت‌های نفوذ خود کاملاً آگاه است. با وجود این، لوکنت امیدوار بوده است که

این سخنان... حداقل موجب درهم ریختن برخی پندارهای او درباره تأثیر توصیه‌های آلمانی‌ها باشد.<sup>۳</sup>

در شرایطی که نماینده فرانسه در ایران حاضر نبود طبق خواست ایران عمل کند و «کورکورانه در این اقدام نادرست شرکت جوید»<sup>۴</sup>، یادداشت ایران در پاریس با حسن استقبال مسئولان روبرو شد. وزیر امور خارجه فرانسه از سفیران خود در پتروگراد و لندن خواست که نظر دولت‌های خود را در این مورد جویا شوند.<sup>۵</sup> در اجرای این دستور، سفیران یاد شده می‌بایست وزرای امور خارجه را درخصوص پیشنهاد ایران مورد پرسش قرار دهند.

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 13 juin 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 42, f° 131.

۲. لوکنت پیش از جنگ حداقل آن اندازه اعتبار داشت که بتواند موجب برکناری یکی از مقامات وزارت امور خارجه ایران شود؛ کسی که در مورد یکی از اتباع فرانسه مطابق خواسته وی عمل نکرده بود. رجوع کنید به:

Lecomte à Briand, Téhéran, le 28 décembre 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 11, N° 97, f° 71.

3. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 13 juin 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 42, f° 131.

4. Ibid.

5. La minute des instructions pour les ambassadeurs français à Londres et à Pétersbourg, Paris, le 5 juillet 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 33, sans N°, f° 73.

به چه دلیل مسئولان سیاست خارجی فرانسه به این سرعت یادداشت دولتی را که وزیر مختار چهره‌ای چنان تاریک از آن ترسیم کرده بود، به جریان انداختند؟<sup>۱</sup> احتمالاً آن‌ها تصور می‌کردند که ایران در صورت اطمینان از پشتیبانی متفقین و یا حداقل رهایی از نگرانی‌های مالی، بهتر می‌تواند در برابر تحریکات و وسوسه‌های آلمان مقاومت نشان دهد.

به هر حال، این اقدام فرانسه در درجه نخست به منظور کمک به ایران برای حفظ بی‌طرفی آن کشور نبود، بلکه فرانسه می‌خواست از این موقعیت برای تحکیم نقش خود در خاورمیانه استفاده کند. بنابراین، فرانسه با ارسال یادداشت ایران برای دولت‌های متفق جدای از مسئله خاص ایران هدف بلند مدت تری را در نظر داشت. این اقدام می‌توانست وسیله‌ای دیگر، هرچند کم اهمیت، برای بزرگ جلوه دادن علایق فرانسه در خاورمیانه باشد؛ به ویژه در شرایطی که می‌بایست چند هفته بعد مذاکراتی برای حل و فصل مسئله تقسیم میراث عثمانی میان متفقین پیروز در جنگ آغاز شود.

درخصوص اقدام فرانسه تا جایی که به مسئله خاص ایران مربوط می‌شد، باید گفت که وزارت امور خارجه آن کشور از مخالفت یکپارچه با خروج نیروهای روسی از ایران در آن شرایط، آگاه شده بود. در مورد تقاضای مالی ایران، حکومت بریتانیا اعلام کرد که قصد دارد موضوع را «در نهایت حسن نیت» بررسی کند. این نظر بسیار مساعد انگلستان درباره پیشنهاد استمهال، احتمالاً تا حدودی<sup>۲</sup> ناشی از نفوذ فرانسه بوده است.

به این ترتیب، پس از آنکه وزارت امور خارجه انگلستان در پاسخ به درخواست مالی ایران طرح دوستانه‌ای را تصویب کرد، خزانه‌داری آن کشور را برای گشایش اعتبار تحت فشار قرار داد؛ زیرا «ایرانی‌ها قبلاً با فرانسه نیز تماس

۱. با این حال باید در نظر داشت که گزارش وزیر مختار پیش از روز ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۵ / ۵ رمضان ۱۳۳۳ به پاریس نرسید، در صورتی که دستورهای مربوط در ۵ ژوئیه / ۲۲ رمضان صادر شده بود.

۲. پیش از رسیدن تقاضای فرانسوی‌ها به لندن (حدود ۵ ژوئیه) در چهارچوب تعرض دیپلماتیک عین‌الدوله، به وزیر مختار ایران در لندن مأموریت داده شد (۱۲ ژوئن / ۲۹ رجب) تا توجه وزارت امور خارجه انگلستان را به این موضوع جلب کند. نگاه کنید به:

Olson, *Anglo-Iranian Relation*, op. cit., p. 87.



گرفته بودند.<sup>۱</sup> در حقیقت، انگلیسی‌ها نگران بودند که فرانسوی‌ها اعتبارات مورد انتظار ایرانیان را خود در اختیار آن‌ها بگذارند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، آمادگی آلمانی‌ها برای اعطای اعتبار به ایران نیز از نظر انگلیسی‌ها دور نمانده بود.

آیا عین‌الدوله در بازی سیاسی خود موفق شده بود؟ به نظر می‌آید که مجموعه مذاکرات و اقدامات چند جانبه او لااقل در زمینه مالی نتیجه‌بخش بوده است. مشاهده کردیم که در مرکز این مجموعه یک زوج عجیب قرار داشتند؛ فرانسه و آلمان... و با وجود موفقیت تعرض سیاسی عین‌الدوله، همچنان امیدی به خروج نیروهای روسی از ایران وجود نداشت.

علاوه بر این، روس‌ها اعلام کردند که استمهال را نمی‌پذیرند ولی این آمادگی را دارند که درباره نوع دیگری از کمک مالی بیندیشند. سازانف وزیر خارجه روسیه در یک «نامه شخصی» در ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۵ / ۸ رمضان ۱۳۳۳ جواب دندان‌شکنی به اقدام فرانسوی‌ها در کمک به ایران داد. در این نامه، پاسخ مورخ ۲۷ مه ۱۹۱۵ / ۱۳ رجب ۱۳۳۳ روس‌ها به یادداشت عین‌الدوله عیناً تکرار شده بود. آیا مداخله وزیر امور خارجه فرانسه مانع از آن شده بود که روس‌ها در روش خود نسبت به ایران تجدید نظر کنند؟ واکنش روس‌ها تعجب‌آور است؛ زیرا روس‌ها پیش از آن آمادگی خود را برای پذیرفتن استمهال ابراز کرده بودند،<sup>۳</sup> اما در پاسخ روس‌ها به فرانسوی‌ها هیچ نشانی از این تصمیم دیده نمی‌شود.

دلیل سکوت روس‌ها را در این خصوص باید در طرز برخورد آن‌ها جستجو کرد تا در لحن پاسخ، زیرا مطالعه نامه کاملاً نشان می‌دهد که روس‌ها می‌خواستند فرانسوی‌ها را متقاعد کنند تا از مداخله در کارهایی که عرفاً به آن‌ها مربوط نبود و در حوزه عملیات روس‌ها قرار داشت، خودداری کنند.

1. Olson, *Anglo-Iranian Relations*, op. cit., p. 88.

۲. پیش از جنگ، انگلیسی‌ها به منظور جلوگیری از فعالیت‌های مالی فرانسوی‌ها در ایران حداقل دو بار در مسائل مالی ایران دخالت کردند. در سال ۱۸۹۸ آن‌ها مانع از پرداخت یک وام پنجاه میلیون فرانکی از طرف فرانسه به ایران شدند. در سال ۱۹۰۵ نیز طرح ایجاد مؤسسات مختلف برای بنیان‌گذاری یک بانک فرانسوی در ایران، به علت مخالفت انگلیسی‌ها، با شکست روبرو شد. رجوع کنید به:

Ghaffari, *Les relations franco-persanes*, op. cit., p. 85 et pp. 100-104.

3. Olson, *Anglo-Iranian Relations*, op. cit., p. 87.

ما محدودیت‌های دیپلماسی فرانسه برای اعمال نفوذ بیشتر در سطح وزیران کشورهای متحد خود نسبت به چگونگی رفتار در برابر ایران را نمی‌توانیم کتمان کنیم. با این حال، همین تلاش فرانسه، با در نظر گرفتن موفقیت‌های نسبی آن، نمایانگر نقش قابل توجهی است که ایران در سیاست فرانسه در خاورمیانه ایفا کرده است. همچنین نقشی که ایرانی‌ها در چهارچوب تعرض دیپلماتیک خود برای فرانسه قائل شده بودند، نشان‌دهنده میزان اهمیت این کشور برای دیپلماسی ایران بود.

هر چند عین‌الدوله توانست با تعرض دیپلماتیک ماهرانه خود روس‌ها و انگلیسی‌ها را وادار کند که در زمینه مالی رفتار آشتی‌جویانه‌ای در پیش گیرند، اما در تلاش خود برای گشودن راهی از میان منافع متضاد قدرت‌های متخاصم، بی‌آنکه ناگزیر به سمت‌گیری باشد، موفق نبود. در پس این شکست، حداقل از نظر وزیر مختار فرانسه، می‌توان یک بار دیگر حضور «آلمانی‌ها» را به «آسانی مشاهده کرد.» نیروهای تحت حمایت آلمانی‌ها یعنی دموکرات‌های مجلس «یک گروه ده نفری حراف، جسور و پرهیاهو» بودند که قصد داشتند با دسیسه‌چینی در پارلمان فرمانفرما وزیر داخله را از عضویت در کابینه برکنار کنند.<sup>۱</sup> این دوست شناخته شده متفقین، در واقع تقریباً هدفی طبیعی برای ملیون بود، زیرا وی از ابتدای تشکیل کابینه عین‌الدوله ناگزیر شده بود همانند یک عامل طرفدار متفقین در دولت عمل کند. دموکرات‌ها همچنین به دلیل اینکه فرمانفرما نتوانسته بود هنگام حمله قوای عثمانی، به سرکردگی رثوف‌بیگ به منطقه کرمانشاه، از مردم به خوبی محافظت کند تقاضای استعفای وی را داشتند.<sup>۲</sup> این حملات پارلمانی سرآغاز یک دوره بحرانی سخت و پر کشمکش میان مجلس و دولت و نیز در کابینه شد؛ بحرانی که در ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۵ / ۲۹

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 30 juin 1915, *AMAÉF, NS, Perse, vol. 19, N° 45, f° 145.*

2. *Ibid.*

درباره مانور پارلمانی رجوع کنید به:

Olson, *Anglo-Iranian Relations*, op. cit., p. 91 sq; Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 139 sq.

روس‌ها و انگلیسی‌ها آماده بودند هر کدام یک هزار لیبره استرلینگ به فرمانفرما بدهند تا بتواند یک برنامه تبلیغاتی به سود خود تدارک ببیند.

شعبان ۱۳۳۳ منجر به استعفای عین‌الدوله گردید.<sup>۱</sup>

وزرای مختار متفقین، به ویژه مارلینگ که بیش از دیگران تلاش کرد، نتوانستند مانع از سقوط کابینه عین‌الدوله شوند. متفقین نمی‌خواستند دولتی سرکار بیاید که نسبت به منافع آنان توجه کم‌تری نشان دهد یا در خدمت آلمانی‌ها باشد.

لوکنت به ظاهر این نگرانی را نداشت. برعکس، او که یک بار دیگر طرف مشورت هم‌تایانش قرار گرفته بود، به آن‌ها سفارش کرد که نسبت به سرنوشت کابینه عین‌الدوله بی‌اعتنا باشند؛ زیرا با آنکه وی «ضمن یک مجادله با این شخص [...] خصوصاً قاطعیتی بسیار نامعمول از خود نشان داده بود»، اما او حاضر نشده بود جانب متفقین را بگیرد.<sup>۲</sup> این کینه‌توزی تازه نسبت به عین‌الدوله مایه تعجب است، زیرا این خود وزیر مختار فرانسه بود که در آوریل ۱۹۱۵ انتصاب او را به ریاست کابینه توصیه کرده بود. اما سیر رویدادها نشان می‌دهد که لوکنت امیدوار بوده است بتواند با استفاده از موقعیتی که در نتیجه بحران دولتی پیش آمده است «نقشه جنگی» خود را عملی سازد.

وزیر مختار فرانسه در مشاوره‌هایی که به متحدان خود داد، فقط توانست روس‌ها را به استماع گفته‌های خود ترغیب کند. به همین سبب است که لوکنت دواتر وزیر مختار جدید روسیه، را به خاطر در پیش گرفتن سیاستی شایسته‌تر و محتاطانه‌تر از سیاست پیشینیان و همکاری‌اش در سفارت روسیه، می‌ستاید و او را به دلیل عاری بودن از رفتار ناپسند نیمه مستعمراتی، که به عقیده او در بسیاری از هموطنانش وجود داشت و برای متفقین بسیار زیان‌بخش بود، تحسین می‌کند.

وزیر مختار فرانسه چنین رفتاری را همانا مشخصه سیاست وزیر مختار انگلیس می‌دانست. سرچارلز مارلینگ هنوز هم خود را در دوران پیش از جنگ تصور می‌کرد؛ دورانی که در آن وزیر مختار انگلیس «در یک ایران بسیار متفاوت

1. Olson, *Anglo-Iranian Relations*, op. cit., p. 93.

2. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 30 juin 1915, *AMAEF. NS. Perse*, vol. 19, N° 45.

با امروز، به آنچه انگلیسی‌ها می‌گفتند متواضعانه گوش فرا می‌داد.» وزیر مختار فرانسه در چنین وضعیتی، که به نظر او برای همکاری میان دو متفق در مقابله با خطر آلمان بسیار نامطلوب و زیان‌بخش بود، چرچیل مترجم سفارت انگلستان را می‌یابد.<sup>۱</sup>

شایسته است ارزیابی این شخصیت را، که «سرسختانه از اندیشه بازگرداندن هرچه سریع‌تر اقتدار گذشته انگلستان طرفداری می‌کرد»، در این جا بیان کنیم؛ زیرا تنفر دیرین وزیر مختار از انگلیسی‌ها و نگاه متکبرانه او به ایرانی‌ها را کاملاً آشکار می‌سازد. لوکنت این مترجم را به طور تحقیرآمیزی «یک کارگزار بالفطره انگلیسی و در عین حال از لحاظ صفات و عادات، ایرانی‌تر از یک نیمه ایرانی» توصیف می‌کند؛ کسی که فعالیت‌های مخاطره‌آمیز او «از چشم دیپلمات‌های سفارت روسیه، که همواره از حضور او نگران بوده‌اند، پنهان نمانده است.»<sup>۲</sup>

در ورای این تصویری که نمایانگر اعتقادهای شخصی وزیر مختار فرانسه است، وحشت او از احتمال تجدید اختلافات انگلستان و روسیه در سطحی گسترده، نشان‌دهنده آن است که فعالیت‌های فرانسه در ایران برچه مبنایی استوار بوده است. در آن زمان، کاستن از شدت تنش‌های موجود میان روسیه و انگلستان وظیفه اساسی دیپلماسی فرانسه در ایران بود. فراموش نکنیم که توافق میان انگلیسی‌ها و روس‌ها نه تنها برای تسلط بر اوضاع ایران اهمیت بسیار داشته، بلکه یکی از شرایط اصلی اتحاد میان آنان بوده است.

ضرورت اجرای نقش میانجی مانع از بهره‌برداری فرانسه از مزایای

۱. دبیر و مترجم اول سفارت انگلستان به تنفر شدید از روس‌ها مشهور بود و با ملیون ایرانی روابط نیکو داشت. سابقه این روابط به دوران انقلاب مشروطیت ایران باز می‌گشت که طی آن چرچیل قانون اساسی ایران را نیز به انگلیسی ترجمه و منتشر کرده بود. به هنگام کشمکش روس‌ها و انگلیسی‌ها در بهار ۱۹۱۵/۱۳۳۳ که به احضار تاونلی و کرسنویتز و زرای مختار انگلستان و روسیه منجر شد، روسیه بدون نتیجه از انگلستان خواست که چرچیل را نیز فراخواند. رجوع کنید به:

Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 105.

تنفر وزیر مختار فرانسه از این دیپلمات انگلیسی بار دیگر چگونگی تقسیم نمایلات او را میان دو متحد فرانسه نشان می‌دهد.

2. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 30 juin 1915, *AMAEF, NS, Perse*, vol. 19, N° 45, f° 145.

انکارناپذیر موقعیت خود به عنوان داور نیز نبود؛ چه در تهران هنگامی که «طرف مشورت همتایان» خود قرار می‌گرفت و چه در سطحی بالاتر مانند اقدام در مورد یادداشت ایران در ژوئن ۱۹۱۵ / رجب شعبان ۱۳۱۳.

## ۲. بحران طولانی دولتی در تابستان ۱۹۱۵: دو اقدام فرانسوی‌ها برای بی‌اثر کردن موفقیت آلمانی‌ها

استعفای عین‌الدوله موجد یک بحران طولانی دولتی شد و مقام رئیس‌الوزرای چندین هفته خالی ماند. یادآوری می‌کنیم که در طی این مدت، آلمانی‌ها به استقرار نیروهای خود تقریباً در سراسر ایران ادامه دادند. در آغاز کار، قصد آلمانی‌ها فقط این بود که مقدمات اعزام هیئت‌های خود را به افغانستان تدارک ببینند و سپس آن‌ها را تحت پوشش قرار دهند. اما در این جریان، مرتباً بر توجه آن‌ها نسبت به ایران نیز افزوده شد.

الف. استقرار نیروهای آلمانی در آغاز تابستان ۱۹۱۵ و تجدید «نقشه جنگی» وزیر مختار فرانسه

فرانسوی‌ها از استقرار نیروهای آلمانی آگاه بودند، اما اطلاعاتی که دریافت می‌کردند، خصوصاً درباره آنچه که در خارج از پایتخت می‌گذشت، غالباً مبهم و مشکوک بود. فرانسه در کرمان و کرمانشاه و در منطقه میان اصفهان و مرز افغانستان، که دو هیئت آلمانی می‌بایست برای رسیدن به افغانستان از آنجا بگذرند، نماینده‌ای نداشت. بنابراین، در این مدت از صحنه‌های اصلی عملیات آلمانی‌ها به دور بود.

با آنکه خبرهای جمع‌آوری شده درباره فعالیت آلمانی‌ها کامل نبود، گزارش‌هایی که دیپلمات‌های فرانسوی به وزارت امور خارجه کشور خود می‌فرستادند، بسیار نگران‌کننده و حتی هشداردهنده بود. کاروان‌های اعزامی به افغانستان همچنان به سوی مرز پیش می‌رفتند. اما این مرز، حداقل آن گونه که گفته می‌شد، فقط از جانب غرب تهدید نشده بود. در ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۵ /

۳ رمضان ۱۳۳۳ وزیر مختار فرانسه گزارش داد که «پادشاه افغانستان آماده شده است تا همراه با دوازده هزار نفر از مرز ایران بگذرد و به سمت مشهد پیشروی کند.» وزیر مختار فرانسه در گزارش خویش دلایل جدایی مبنی بر بی‌علاقگی خود نسبت به انگلیسی‌ها و حکومت هندوستان، که از بی‌توجهی آن انتقاد می‌کرد، و نیز نسبت به دیپلمات‌های انگلیسی در تهران، که سفارتخانه آن‌ها را «بهشت ابلهان»<sup>۱</sup> می‌نامید، عنوان کرد. با این حال، لوکنت تشکیل «کمر بند شرق ایران» به وسیله سربازان روسی اعزامی از مشهد و سربازان بریتانیایی اعزامی از بلوچستان را به منظور ممانعت از عبور هیئت‌های آلمانی از مرز افغانستان، گزارش کرد. اما در اینجا نیز او با زهم از حکومت هندوستان شکوه می‌کند: تصمیم نایب‌السلطنه مبنی بر پنهان نگاه داشتن اعزام قوا - «گویی که حکومت هند با تردید و تأسف تصمیم به زیر پا گذاشتن احترام نسبتاً بی‌اعتباری که برای استقلال سیاسی ایران قائل بود، گرفته است» - برخلاف نظر لوکنت بود، زیرا به عقیده او می‌بایست با به رخ کشیدن قدرت متفقین، ایرانیان را مرعوب کرد.<sup>۲</sup>

در ۲۵ اوت / ۱۴ شوال وزیر مختار فرانسه خود را ناگزیر دید که عبور «سهل» و موفقیت‌آمیز هیئت آلمانی را از مرز گزارش کند. میزان بازداشت افراد و ضبط اموال بسیار اندک بوده است.<sup>۳</sup>

عشایر تنگستانی، که «واسموس معروف آن‌ها را اجیر و تجهیز کرده بود [...] و وظیفه‌ای را که بر عهده آنان گذاشته شده بود به نحو تحسین‌آمیزی انجام می‌دادند»، نمایندگی سیاسی فرانسه را در منطقه خلیج فارس تهدید کردند. علاوه بر این، به دستور حاکم برازجان، که «علناً خود را به آلمانی‌ها فروخته بود»، خط تلگراف بوشهر به تهران نیز قطع شده بود. در ۸ اوت ۱۹۱۵ / ۲۷ رمضان ۱۳۳۳ نیروهای انگلیسی بوشهر را تصرف کردند،<sup>۴</sup> ولی اوضاع منطقه همچنان

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 15 juillet 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 48, f° 152*.

2. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 20 juillet 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 49, f° 156*.

3. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 25 août 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 56, f° 172*.

4. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 18 août 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 53*.

متشنج بود.

در کرمان اوضاع از این هم «نامساعدتر» بود، زیرا برای انگلیسی‌ها بسیار دشوار بود که از این شهر در برابر سلطه آلمانی‌ها دفاع کنند. کرمان به وسیله «هنتیگ آلمانی، وابسته سابق سفارت و مسئول کنونی تحریکات در این شهر»<sup>۱</sup> تجهیز شده بود. البته زمانی که این گزارش نوشته می‌شد، هنتیگ می‌بایست به نزدیکی‌های مرز افغانستان رسیده باشد (در جنگ جهانی اول او هرگز در کرمان حضور نداشت). اما در هر صورت، همان‌گونه که دیدیم، تلاش‌های سایر آلمانی‌ها همگی قرین موفقیت بود.<sup>۲</sup>

در کرمانشاه آلمانی‌ها همچنان بر شهر مسلط بودند. شونمان، ملقب به نجار<sup>۳</sup>، مانع بازگشت کنسول‌های متفقین می‌شد. او در فعالیت‌های تبلیغاتی خود بسیار موفق بود، زیرا از خبرهای مربوط به رویدادهای جنگ در اروپا بسیار استادانه بهره‌برداری می‌کرد.<sup>۴</sup> علاوه بر این، ژاندارمری نیز باعث شد که برنامه بازگشت کنسول‌ها لغو شود، زیرا ژاندارم‌ها از همراهی کردن کاروان کنسول‌ها تا کرمانشاه خودداری کردند.

همکاری ژاندارمری با آلمانی‌ها چنان تنگاتنگ بود که فرمان‌های دولتی را

→ F 168.

1. Lecomte à Delcassé, *ibid.*

۲. لوکنت قطع یک خط تلگراف دیگر را نیز گزارش می‌کند؛ خط شرکت هندواروپا. او این کار را به اشنباه به گردن هنتیگ انداخت که گمان می‌کرد از کرمان ترتیب آن را داده است. در واقع خط مزبور هنگامی قطع شد که هیئت مشترک هنتیگ - نیدرمایر در نزدیکی یردان، در حال عبور از مرز افغانستان بود. رجوع کنید به:

Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 149, note 296

۳. شونمان از سال ۱۹۰۴ با اشتغال به تجارت در ایران زندگی می‌کرد. او در سال ۱۹۱۱ مدیر پتاگ (Petag) (مخفف نام آلمانی شرکت سهامی فرش ایران) در تبریز شد. شونمان در اوت ۱۹۱۴ به آلمان بازگشت و سپس در چارچوب مأموریت هیئت اعزامی نیدرمایر روانه ایران گردید. در پایان فوریه ۱۹۱۵ / ۱۳ ربیع‌الآخر ۱۳۳۳ شونمان به منظور ایجاد یک قرارگاه برای هیئت نیدرمایر وارد کرمانشاه شد. فعالیت‌های او بسیار موفقیت‌آمیز بود، اما همواره رئوف بیگ (نگاه کنید به ص ۱۶۸، زیرنویس ۳) در کارهای او در منطقه اختلال می‌کرد. رجوع کنید به:

Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., pp. 75 sq. et 136-138.

۴. او در ۵ اوت ۱۹۱۵ / ۲۴ رمضان ۱۳۳۳ یک شب‌نشینی بزرگ به افتخار فتح ورشو توسط نیروهای آلمان ترتیب داد رجوع کنید به:

Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 25 août 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 56, F 172*

فقط در صورت مطابقت با رهنمودهای دریافت شده از سفارت آلمان اجرا می‌کرد. این اطاعت «علنی» از دستورات آلمانی‌ها حتی سبب برکناری افسرانی شده بود که «تاحدودی موجبات رضایت سفارتخانه‌های انگلستان و روسیه را فراهم کرده بودند»<sup>۱</sup>

اضافه بر این‌ها، در شیراز و اسموس «بر مردم و مسئولان شهر حکومت می‌کرد» پس از آنکه مخبرالسلطنه حکمران فارس و «آلمانی‌ترین ژرمانوفیل‌های ایرانی» ژاندارم‌ری را از دریافت پول از انگلیسی‌ها منع کرده بود، و اسموس به ژاندارم‌ری حقوق می‌داد.<sup>۲</sup>

در اصفهان، آلمانی‌ها در عملیات آشوب‌انگیزی که زیر نظر «پوگین، فعال مایشاء» اجرا می‌شد، کاملاً پیشرفت کرده بودند. «در آن شهر بزرگ نیمه مرده، هر کس که اندیشه و تحرکی داشت» توجهش به برنامه‌ی پر هیجان پوگین جلب شده بود. این موفقیت آلمانی‌ها ریشه در بی‌کفایتی نمایندگان متفقین داشت که «سستی» آنان به آلمانی‌ها امکان داده بود تا شهر را از آن خود کنند. این نمایندگان، در برابر موفقیت آلمانی‌ها «کاری جز آه کشیدن و حسرت برآوردن نداشتند». آلمانی‌ها حتی توانسته بودند تنی چند از رؤسای مهم ایل بختیاری را، که «انگلیسی‌ها چشم بسته به وفاداری آنان متکی بودند»<sup>۳</sup>، به سوی خود بکشانند. در کنار تمام این زمینه‌سازی‌های مخاطره‌انگیز در ولایات، آلمانی‌ها به فعالیت‌های نگران‌کننده‌ی خود در تهران، به ویژه در صحنه‌ی سیاسی، ادامه دادند. آن‌ها همچنین کوشیدند تا از خلائی که به دنبال استعفای عین‌الدوله به وجود آمده بود، بهره‌برداری کنند.

در ۴ اوت ۱۹۱۵ / ۲۳ رمضان ۱۳۳۳ لوکنت ضمن مطالب دیگر، گزارش داد

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 18 août 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 53, f° 168.

۲. نتیجه‌گیری وزیر مختار فرانسه در این مورد چنین بود: «بنابراین اکنون پول آلمان است که به دستور حکمران ایرانی ادامه‌ی حیات ژاندارم‌ری فارس را میسر می‌سازد.» نگاه کنید به: Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 25 août 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 56, f° 172.

3. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 4 août 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 50, f° 161.



از دیدگاه دیپلماسی فرانسه ۱۰۳

که شاه «کاملاً تحت سلطه عوامل عثمانی و آلمان» قرار گرفته است.<sup>۱</sup> به علاوه، وزیر مختار فرانسه به این نتیجه رسیده بود که تلاش اصلی برای مبارزه با آلمانی‌ها «جز در تهران در جای دیگری نمی‌تواند صورت گیرد».<sup>۲</sup> اینک پس از مطالعه چگونگی برداشت فرانسوی‌ها از تجهیز آلمانی‌ها، به بررسی واکنش آن‌ها می‌پردازیم.

بی‌تردید لوکنت از کلیه جزئیات این تجهیز نمی‌توانست با خبر باشد، اما مقدار اطلاعاتی که توانسته بود به دست آورد کافی بود تا او را نسبت به اصولی که انگیزه پیشنهاد «نقشه جنگی» او در ۴ مه ۱۹۱۵ / ۱۹ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ در جلسه نمایندگان متفقین شد، وفادار نگهدارد.<sup>۳</sup>

بدینسان، به نظر لوکنت:

از کار انداختن تشکیلات گسترده آلمانی‌ها [...] جز با تشبث به وسایل سنتی اعمال قدرت، میسر نیست [...] و آن عبارت است از افزایش مؤثر نفرات گروهان روسی مستقر در قزوین و صدور فرمان حرکت آنان به سوی پایتخت تا فاصله‌ای مناسب.<sup>۴</sup>

به نظر لوکنت، استفاده از امکانات سنتی در آن موقعیت، نسبت به زمانی که نخستین بار آن را پیشنهاد کرده بود، خطر کمتری در برداشت. در جلسه دیگری که لوکنت و هم‌تایانش، برای هماهنگ کردن روش متفقین در برابر اقدامات آلمانی‌ها، تشکیل دادند چنین مقرر شد که برای فشار وارد نیامدن بر نیروی ذخیره سپاهیان روسی، تقاضا کنند که فقط دو هزار سرباز جهت مقابله با آلمانی‌ها به ایران اعزام شود.<sup>۵</sup>

وزیر مختار فرانسه برای پیگیری درخواست اعزام سربازان روسی، به پاریس تلگراف کرد. به نظر می‌آید که او این بار از اینکه می‌دید «نقشه جنگی» اش در

1. *Ibid*

2. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 20 juillet 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 49, f° 156.*

۳. نگاه کنید به صص ۸۴-۸۹ همین کتاب.

4. Lecomte à Delcassé, *ibid.*

5. Lecomte à Delcassé, *ibid.*

حال تحقق است، احساس رضایت می‌کرد. وی در تلگرام خود تقاضا کرد که علاوه بر اعزام نیروهای تقویتی، به سربازان روسی مستقر در قزوین نیز فرمان داده شود که بلافاصله به طرف پایتخت حرکت کنند تا «توجه ایرانیانی، که بیش از دیگران تحت نفوذ آلمان قرار گرفته‌اند، به قدرت روسیه جلب شود». لوکنت، پس از تأکید بر وجود یک خطر واقعی، به تشریح این موضوع پرداخت که برای آغاز حمله پیشنهادی وی، اوضاع به مراتب مساعدتر از آوریل گذشته است. او حساب می‌کرد که خلاء قدرتی که در اثر بحران دولتی به وجود آمده، فرصت مناسبی جهت «استفاده از هرج و مرج کنونی»، به عنوان بهانه‌ای برای پیشروی نیروهای روسی، فراهم آورده است. در پایان، او از وزارت امور خارجه فرانسه تقاضا کرد که در مورد اعزام نیروهای تقویتی موردنظر و اجازه به وزیر مختار روسیه در ایران برای صدور فرمان پیشروی سربازان مستقر در قزوین به سوی پایتخت، آن کشور را تحت فشار بگذارد.<sup>۱</sup>

مقامات مسئول در پاریس برای بررسی امکان اعزام واحدهای روسی به ایران بلافاصله دست به کار شدند و پاسخی که توانستند به لوکنت بدهند این بود که لندن و پتروگراد مشغول تبادل نظر درباره تصمیم‌هایی هستند که در تهران گرفته شده است.<sup>۲</sup> وزیر مختار فرانسه این پاسخ را امیدبخش تلقی کرد و در این زمینه پافشاری و بر ضرورت فوریت بخشیدن به آن تأکید کرد.

در چهارچوب همین تقاضای جدید مبنی بر اعزام نیروهای تقویتی روسی بود که وزیر مختار فرانسه برای نخستین بار از نقشه آلمانی‌ها در جهت ترغیب شاه برای رفتن به اصفهان «تحت لوای آلمان» و در نتیجه انتقال پایتخت به منطقه‌ای دور از تهدید دائمی قوای روسیه، سخن به میان آورد. به زودی خواهیم دید که چگونه موضوع تغییر پایتخت محور تأملات مربوط به آینده سیاسی متفقین در ایران شده بود. اما در این برهه از زمان، وزیر مختار فرانسه چنین ادعا می‌کرد که اگر دو متفق فرانسه برای انجام دادن آنچه که تقاضا شده است با یکدیگر به تفاهم برسند یا به

1. Télégramme de Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 26 juillet 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 49, f° 158.

2. Télégramme de Paul Cambon à Lecomte, Londres le 29 juillet 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 1636, f° 160.

عبارت دیگر، «نقشه لوکنت» را تأیید کنند، حتی موفقیت آلمان در تغییر پایتخت نیز دیگر برای متفقین خطرناک نخواهد بود. وی اذعان کرد که اجرای نقشه آلمان چه بسا نتایج ناگواری در برداشته باشد، اما با این حال اظهار داشت که حتی در صورتی که دولت ایران، تحت حمایت آلمان، در اصفهان مستقر شود:

ما خواهیم توانست به خوبی به اقامت در تهران تحت حفاظت نیروهای روسی ادامه دهیم و روابط با دولت ایران از آن پس، مبهم تر و شکننده تر از شش ماه پیش نخواهد بود.

لوکنت می افزاید که «سپس خواهیم توانست با آرامش به انتظار رویدادهای اروپا بمانیم، زیرا فقط این رویدادها هستند که می توانند جهت مشخصی به سیاست ایران ببخشند.»<sup>۱</sup> چند روز بعد، نظرات وزیرمختار فرانسه در مورد نقش مهم وقایع میدان های جنگ اروپا کاملاً تأیید شد... او از خبر سقوط شهر ورشو در ۵ اوت ۱۹۱۵ / ۲۴ رمضان ۱۳۳۳ به دست قوای آلمان آگاه شد و اثرات آن را بر افکار عمومی ایران مشاهده کرد.

لوکنت در برابر این خبر نگران کننده تنها کاری که می توانست بکند، استدعای اعزام هرچه سریع تر نیروهای روسی بود؛ زیرا به نظر او وسیله دیگری «برای ممانعت از رها شدن ایران در دست های دشمنان» وجود نداشت. او یک بار دیگر از رفتار زیان بخش حکومت انگلستان، که همچنان تحت تأثیر «شخصیت های بانفوذی که نگران [...] حمله روس ها به ایران بودند» قرار داشت، به شدت انتقاد کرد.<sup>۲</sup>

ب. برنامه جدید مرافقت با ایرانیان که به دنبال شکست «گشت نظامی» روس ها در ۶ اوت ۱۹۱۵ لوکنت آن را تبلیغ می کرد.

روز بعد، گویی که التماس های لوکنت اجابت شده است، اعلام گردید که نیروهای روسی مستقر در قزوین وارد پایتخت خواهند شد...

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 4 août 1915, *AMAEF, NS, Perse*, vol. 19, N° 50, f° 161

2. Télégramme de Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 10 août 1915, *AMAEF, NS, Perse*, vol. 19, N° 50, f° 163.

اما آقای وزیرمختار فرانسه زمانی که پی‌برد این پیشروی فقط یک «گشت نظامی بی‌موقع در جاده قزوین به تهران» است و از هدف به کلی دورمانده است، بسیار یکه خورد. نیروهای روسی به اندازه‌ای که آغاز «نقشه جنگی» لوکنت میسر شود، به پیشروی خود ادامه ندادند. علاوه بر این، فرمانده روسی، که رأساً دستور این گشت را داده بود، برای آلمانی‌ها «یک بهانه مناسب برای اعلام خطر در تهران، از قصر شاه تا محله‌های اطراف شهر»، فراهم آورده بود.

وزرای مختار قدرت‌های مرکزی با شتاب بسیار نزد شاه، که تقریباً آماده بود تا «خود را درون یک اتومبیل بیندازد و در اصفهان پناه بگیرد»، رفتند. ترک تهران می‌توانست تکمیل «برنامه توطئه چینی آلمانی‌ها» باشد.<sup>۱</sup>

وزیر مختار روسیه، که طرف مشورت شاه قرار گرفته بود، توانست سریعاً او را آرام کند،<sup>۲</sup> اما شکست این حرکت هشداردهنده، عواقب دراز مدت تری برجای گذاشت. آلمانی‌ها توانستند با استفاده از اوضاع متشنجی که پس از «گشت نظامی» نیروهای روسی مستقر در قزوین در تهران به وجود آمده بود، این شایعه را پخش کنند که سفارتخانه‌های متفقین به زودی مورد حمله قرار خواهد گرفت و این در حالی بود که خود در معرض تهدید نیروهای روسی بودند که رو به سوی تهران داشتند. به همین سبب بود که آلمانی‌ها برای ایجاد آمادگی‌های جنگی دست به فعالیت‌های تدارکاتی جدی زدند. آن‌ها استحکاماتی «به شدت حفاظت شده» به وجود آوردند و در حالت دفاع نظامی قرار گرفتند.

وزیر مختار فرانسه با مشاهده «حرکت‌ها و مراقبت‌های مسلحانه» آلمانی‌ها، به ناچار خطر حمله به سفارتخانه‌های متفقین را بسیار جدی تلقی کرد.<sup>۳</sup> اما این تهدید «کاملاً قابل اجرا» او را به این فکر انداخت که یک بار دیگر تقاضای اعزام نیروها را مطرح کند. بعد از شکست «گشت نظامی» در ۵ و ۶ اوت ۱۹۱۵ و

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 11 août 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 52, f° 164; Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 141.

2. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 11 août 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 52, f° 164.

3. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 25 août 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 56, f° 172.

۲۵ رمضان ۱۳۳۳ لوکنت دیگر تقاضاهای پی در پی خود را پیگیری نکرده بود.<sup>۱</sup> برعکس، او به دنبال یافتن راه‌حلی بود که بدون نیاز به اعزام قوا به متفقین امکان مقابله با فعالیت‌های آلمانی‌ها را بدهد یا حداقل شرایطی فراهم سازد که تا زمان حضور نیروها، بتوانند دفع‌الوقت کنند:

واقعیت کنونی، هر اندازه هم که گمراه‌کننده و مخاطره‌آمیز باشد، نو‌میدکننده نیست و فشار نظامی، که ما به آن امید بسته‌ایم، احتمالاً یگانه راهی نیست که برای ما برجای مانده باشد.<sup>۲</sup>

در چارچوب همین توجه به امکانات غیرنظامی برای رویارویی با فعالیت آلمانی‌ها بود که می‌بینیم فرانسوی‌ها برای تسلط دوباره بر اوضاع در ایران، مسئله پیشنهاد امتیازات مالی به ایرانی‌ها را مورد توجه قرار دادند. به همین سبب لوکنت اظهار امیدواری کرد که انگلیسی‌ها به اقداماتی که برای منافع متفقین ضروری است دست خواهند زد. به عقیده وزیر مختار فرانسه، با توجه به شرایط، حداقل تا روزی «که چرخش اوضاع در اروپا متفقین را در موقعیتی قرار دهد که بتوانند نظر مساعد ایرانی‌ها را یا به بهای طلا یا به زور اسلحه جلب کنند»<sup>۳</sup>، می‌بایست با آنان رفتاری ملاحظت‌آمیزتر در پیش گرفت. لوکنت حتی در برابر تهاجم تازه و بسیار جدی آلمانی‌ها تقاضاهای مصرانه گذشته را تکرار نکرد. در ۲۶ اوت ۱۹۱۵ / ۱۵ شوال ۱۳۳۳ شویمان پیشاپیش یک گروه مسلح ایرانی به کاروان کنسول‌های روسیه و انگلستان، که قصد بازگشت به کرمانشاه را

۱. با خبرهای نگران‌کننده‌ای که وزیر مختار روسیه از تهران می‌فرستاد، سیاست‌گذاران روسی آماده بودند تا مشابه آنچه لوکنت پیشنهاد کرده بود، عمل کنند. براین اساس، وزیر امور خارجه روسیه از تزار تقاضا کرد که با اعزام ده هزار سرباز به قزوین موافقت کند تا از آنجا، با تهدید مداوم پایتخت، حکومت ایران را رادار کنند که در برابر متفقین رفتار مساعدتری در پیش گیرد. اما سران نظامی، که تمام توجهشان بر میدان‌های جنگ قفقاز متمرکز شده بود، مانع از موافقت با این تقاضا شدند. آن‌ها حتی اعلام کردند که سربازان روسی مستقر در ایران را نیز نمی‌توانند به معنای واقعی تقویت کنند. رجوع کنید به:

Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 140.

2. Leconte à Delcassé, Téhéran, le 11 août 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 52, F

164.

3. *Ibid.*

داشتند، حمله‌ور شد. کنسول‌ها ناگزیر شدند به همدان بازگردند.<sup>۱</sup> لوکنت حتی در این اوضاع و خیم نیز مایل بود عوامل مساعدی را جستجو کند. در واقع ایرانی‌ها می‌توانستند این عمل خودسرانه شوونمان را تجاوز به استقلال داخلی خویش تلقی کنند، به ویژه که اقدام علیه کنسول‌ها در «قلب ایران» صورت گرفته بود و حکومت ایران بلافاصله مراتب تأسف و عذرخواهی خود را به متفقین اعلام کرد.<sup>۲</sup>

وزیر مختار فرانسه سپس اظهار نظر کرد که ایرانی‌ها نباید به خاطر حفظ افسانه بی‌طرفی خود روابطشان را، حداقل به سرعت، با طرفین متخاصم قطع کنند؛ زیرا برای ایران بهتر آن است که در حضور طرفین نرخ مزایده را بالاتر ببرد. لوکنت عقیده داشت که در آن شرایط متفقین حتی می‌توانستند تهدید کنند که از پایتخت خارج خواهند شد و کشور را رها و از هرگونه کمک مالی به حکومت خودداری خواهند کرد و ایران را با آلمانی‌ها، که فعالیت‌های تدارکاتی آنان از چشم ایرانی‌ها پنهان نمانده است،<sup>۳</sup> تنها خواهند گذاشت.

۱. بیش از این رویداد، نوعی توافق میان آلمان و متفقین به وجود آمده بود. مستوفی‌الممالک، رئیس‌الوزرای وقت، توانسته بود از پرنس رویس وزیر مختار آلمان این موافقت را بگیرد که آلمانی‌ها بیش از این مانع بازگشت کنسول‌های روسیه و انگلستان به کرمانشاه نشوند. در مقابل، دو وزیر مختار متفق اعلام کرده بودند که کنسول‌های خود را با اسکورت بسیار محدود، که فقط نشان‌دهنده مأموریت دیپلماتیک آنان و نیز بی‌طرفی ایران باشد، به محل اعزام کنند. رجوع کنید به:

Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 25 août 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 56, f° 172.*

با این حال، شوونمان به آنان حمله‌ور شد؛ زیرا تلگرام وزیر مختار آلمان، که در آن به او دستور داده بود تا مانع از بازگشت کنسول‌ها نشود، بسیار دیر به دستش رسیده بود. نگاه کنید به:

Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 162.

2. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 1 septembre 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 59, f° 178.*

۳. در این خصوص، به‌ویژه درباره انسداد خط آهن بغداد، رجوع کنید به:

Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., pp. 64-66.

این خط آهن تا ۱۶ ژانویه ۱۹۱۶ / ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ در صربستان مسدود بود. آلمانی‌ها همچنین برای حمل ملزومات جنگی خود از رومانی، که بی‌طرفی خود را به طور جدی حفظ می‌کرد، دشواری‌های فراوان داشتند. اما جا به جا کردن پول بسیار مشکل‌تر بود، خصوصاً که هر دو بانک موجود در ایران در اختیار متفقین بود و ایرانی‌ها نیز جز سکه طلا یا نقره، پول دیگری از آلمانی‌ها قبول نمی‌کردند. در آغاز جنگ آلمانی‌ها توانستند با

وزیر مختار فرانسه چنین ادعا کرد که «از توصیه به دو سفارتخانه» برای آنکه چنین سیاستی را در پیش گیرند باز نایستاده است. وی همچنین بار دیگر از نفوذ خود بر عده‌ای از ایرانیان صاحب اعتبار برای ترغیب متفقین به اجرای سیاست موردنظرش استفاده کرد. لوکنت ایرانی‌ها را به سبب «اعتماد ساده‌لوحانه» به آلمانی‌ها شماتت نمود، زیرا معتقد بود که آلمان هیچ امتیازی به آن‌ها نداده است. به علاوه، آلمان نتوانسته بود آن‌گونه که ایرانی‌ها انتظار داشتند «دول متفق را به رقابت و پیشنهاد پرداخت بیشتر وادار کند». این سرزنش‌ها با تهدید به رها کردن ایران، «همانند باری سنگین که نگاه داشتن آن در کشتی خطرآفرین است»، همراه بود. لوکنت بلافاصله ایرانی‌ها را هشدار می‌دهد که

در روز موعود، کنیه اعمال غیردوستانه، خصمانه یا خائنانه آنان نسبت به ما، که گمان کرده‌اند می‌توانند به آن‌ها ببالند، به حسابی که در برابرشان خواهیم گشود، منظور خواهد شد و هیچ قدرتی قادر به معاف کردن آن‌ها از ادای دیونشان نخواهد بود.<sup>۱</sup>

تصویر لوکنت که به هم‌تایان خود «موعظه می‌کند» که چه سیاستی را در پیش گیرند، اگرچه ممکن است مبالغه‌آمیز هم باشد، جنبه‌ای از چگونگی روابط میان وزیر مختار فرانسه و نمایندگان متفقین را برملا می‌سازد. لوکنت سرانجام، بی آنکه استفاده از نیروهای کمکی روسیه را مدنظر داشته باشد، برنامه‌ای را به منظور حفظ موقعیت متفقین تدوین کرد. وزیر مختار فرانسه اعلام داشت:

بنابراین، هدف اصلی و کاملاً متعارفی که دیپلماسی متفقین باید در ایران مدنظر قرار دهد، پرهیز از شتابزدگی و کوشش در حفظ تعادلی

- استفاده از یک واسطه هلندی از راه بمبئی به ایران پول منتقل کنند. اما در پایان اوت ۱۹۱۵ / ۲۰ شوال ۱۳۳۳ این راه نیز کاملاً مسدود شد. در همین ماه، به دنبال دریافت تقاضاهای فوری از طرف فرستادگان آلمان در محل، در برلین تصمیم گرفته شد که محموله‌ای حاوی چهار میلیون مارک طلا مستقیماً به ایران ارسال شود تا کمبود پول معتبر جبران گردد. اما ارسال این محموله نیز وقت بسیار گرفت (Ibid., pp 165 et 175).

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 1 septembre 1915, AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 59.

است که ایران براساس آن مزایای حاصل از هر یک از طرفین را ارزیابی می‌کند. باید به این وضع ادامه دهیم تا زمانی که یک پیروزی درخشان در اروپا ما را بر فراز تمام این حسابگری‌های مبتذل قرار دهد.<sup>۱</sup>

### پ. چکیده: دو نظر به ظاهر متضاد فرانسوی‌ها برای رسیدن به یک هدف

چنانکه دیدیم، واکنش فرانسوی‌ها در برابر وضعیت حساسی که در مدت بحران دولتی در ماه‌های ژوئیه - اوت ۱۹۱۵ / شعبان - شوال ۱۳۳۳ پیش آمد، تغییر نظر آنان در مورد سیاست متفقین در ایران بود. دلیل این تغییر، عدم امکان تقویت نیروهای روسی و به‌ویژه نافرجام ماندن «گشت نظامی» پنجم و ششم اوت ۱۹۱۵ بود. اینکه درخواست‌های جدی وزیر مختار فرانسه مبنی بر اعزام نیروهای تقویتی جای خود را به یک برنامه «جدید» سیاسی داد، به خوبی نشان‌دهنده دو مرز کاملاً متباینی است که اقدامات پیشنهادی فرانسوی‌ها میان آن‌ها نوسان می‌کرد.

لوکنت از یک سو برنامه‌ای افراطی و توأم با شدت عمل را پیشنهاد می‌کند که هدف از آن آغاز کردن ماجراها به هر قیمت است؛ برنامه‌ای که تحقق آن جز از طریق تقویت نیروهای روسی و پیشروی فوری آنان به طرف پایتخت، برای پایان دادن قطعی به خطر آلمانی‌ها، امکان‌پذیر نیست. این برنامه وسیله‌ای برای در دست گرفتن ابتکار عمل و در عین حال کوششی است برای غافلگیر کردن آلمانی‌ها. در «نقشه جنگی» وزیر مختار فرانسه توجهی به بی‌طرفی فرضی، ولی همچنان معتبر، ایران نمی‌شود. نیت او این است که وضعیت روشن و مشخصی به وجود آورد که سلطه بر آن به مراتب آسان‌تر از غلبه بر آشفتگی حاکم بر اوضاع آن دوران باشد. هدف دیگر این برنامه تحت تأثیر قرار دادن شاه و دولت ایران از طریق نمایش قدرت و قاطعیت است. وزیر مختار فرانسه، برای آنکه دولت‌های متفق را وادار به اعزام نیروهای موردنظر خود کند، فعالیت‌های آلمانی‌ها را در ایران به شدت مخاطره‌آمیز توصیف می‌کند.

از طرف دیگر، چنانچه محرز شود که شدت عمل به هیچ وجه کارساز

1. Ibid.



نیست، یک روش مسالمت‌آمیز پیشنهاد می‌گردد. در چنین حالتی، وزیر مختار فرانسه تقاضا می‌کند که نسبت به ایران رفتار ملاطفت‌آمیزتری، به‌ویژه در خصوص مساعدت‌های مالی، در پیش گرفته شود. این پیشنهاد بیشتر به آن سبب مطرح می‌شود که از درگیری‌های مستقیم، در شرایطی که نفرات کافی نیستند، جلوگیری شود.<sup>۱</sup>

تهدید به رها کردن ایران و وا گذاشتن آن در دست‌های «خشن و نسبتاً خالی» آلمانی‌ها نیز می‌بایست در همین راستا بررسی شود، زیرا این تهدید کاملاً زبانی است و هدف از آن یادآوری اهمیت اقتصادی و سیاسی روابط حسنه با متفقین است. لوکنت بی‌تردید به وجود خطر و حتی تشدید آن اذعان دارد، اما درباره امکان به تعویق انداختن آغاز درگیری اصرار می‌ورزد.

وزیر مختار فرانسه ضمن ملامت آلمانی‌ها به خاطر فعالیت‌های گستاخانه و حتی وحشت‌زا و نکوهش روش تبلیغاتی فتنه‌برانگیز و در عین حال کارآمد آن‌ها برای رسیدن به هدف، مسئله اختلاف در اردوی دشمن را به خوبی توضیح می‌دهد. لوکنت وجود اختلاف نظر میان پرنس رویس و وزیر مختار آلمان و فن کاردورف کاردار آن سفارتخانه را، که از زمان بازگشت وزیر مختار آغاز شده است، اعلام می‌دارد. او همچنین کاملاً در جریان روابط پر کشمکش پرنس رویس با عاصم‌بیگ سفیر عثمانی در دربار ایران قرار دارد و به‌ویژه مشاجره آن دو را بر سر عملیات نظامی رثوف‌بیگ در منطقه کرمانشاه گزارش می‌دهد و یادآور می‌شود که رفتار سفیر عثمانی در برابر پرنس رویس بسیار متکبرانه و تحقیرآمیز است. به نظر لوکنت، وزیر مختار آلمان از اسراف‌های سفیر عثمانی، که طی آن ظاهراً مبلغ ۴۵ هزار تومان نیز خود به جیب زده، آگاه شده است. این پول را آلمانی‌ها در آغاز جنگ برای استفاده در امر تبلیغات «پان‌اسلامی» در

۱. این تغییر نظر (موقتی) لوکنت را در واکنش نه چندان مساعد وی نسبت به نخستین اقدام ایرانی‌ها در مورد استمهال با وضوح بیشتری می‌توان مشاهده کرد (بنگرید به صص ۹۰-۱۰۱ همین بررسی). در مارس ۱۹۱۵، هنگامی که مشیرالدوله برای اولین بار موضوع استمهال را مطرح کرد، خود آن را یک «ابداع جسورانه» و «خیال‌پردازانه» توصیف نمود. رجوع کنید به:

اختیار عاصم‌بیگ گذاشته بودند. وزیر مختار فرانسه خشنودی خود را از گزارش چنین داستانی «که طی آن عثمانی‌ها آلمانی‌ها را اغفال می‌کنند و ایرانی‌ها را آزار می‌دهند» پنهان نمی‌دارد، اما اضافه می‌کند که عثمانی‌ها در صحنه فعالیت‌های آلمان در ایران کاملاً در حاشیه قرار دارند.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که در مورد سقوط شهر ورشو دیدیم، رویدادهای صحنه‌های جنگ اروپا همواره عامل تعیین‌کننده‌ای در ارزیابی اوضاع بود.<sup>۲</sup> به قطع دو خط تلگراف در جنوب و جنوب شرقی ایران توسط عوامل آلمانی نیز باید اشاره کرد. این عمل متفقین را از یک وسیله مهم تبلیغاتی محروم کرد: اخبار خبرگزاری رویتر درباره وقایع اروپا.<sup>۳</sup> این اخبار نه فقط برای آگاهی از تحولات اوضاع در خود اروپا ضروری بود، بلکه از این نظر که فرصت تعبیر و تحریف برای رسانیدن به سمع ایرانیان را نیز فراهم می‌ساخت، اهمیت به سزا داشت.

جالب است گفته شود که هر دو نظر فرانسوی‌ها، همچنان از نظرات متحدانشان فاصله داشت. «نقشه جنگی» لوکنت از دیدگاه متفقین، به ویژه انگلیسی‌ها، بسیار تندروانه بود. اما لوکنت تصور می‌کرد که باید روس‌ها را نصیحت کند که رفتاری مسالمت‌آمیزتر نسبت به ایرانی‌ها در پیش بگیرند. بنابراین، همان وضعیتی را که قبلاً در روابط میان متفقین دیده بودیم، در تمام طول بحران دولتی در تابستان ۱۹۱۵/۱۳۳۳ نیز مشاهده کردیم.

با این حال، نمی‌توان به قدردانی لوکنت از وزیر مختار روسیه اشاره نکرد. این تحسین با نوعی همدلی کلی با روس‌ها و فعالیت‌های آنان در ایران همراه است. در این مورد، مقایسه‌ای را که لوکنت درباره توانایی‌های تبلیغاتی انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها به هنگام بروز شورش ضد عثمانی در نجف، شهر مقدس شیعیان، به عمل آورده است خاطر نشان می‌کنم.<sup>۴</sup>

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 17 juin 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 44*,  
 f° 134.

۲. فصل دوم، الف. ۱.۲.

3. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 18 août 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 53*,  
 f° 168.

۴. درباره این شورش، که به دنبال اعزام فوج‌هایی از سوی عثمانی‌ها به نجف برای گوشمالی

این رویداد می‌توانست برای بی‌اعتبار کردن عثمانی‌ها در چشم ایرانیان مورد استفاده قرار گیرد، زیرا ایرانی‌ها که اکثراً شیعی مذهب‌اند به اماکن مقدس واقع در عثمانی بسیار وابسته‌اند.

از نظر لوکنت:

مایه نگرانی است که انگلیسی‌ها به سبب ناتوانی و نیز تکبرشان نتوانند از این واقعه انتفاع لازم را ببرند و در نتیجه دست آلمانی‌ها را، که در این موارد بسیار کارآمد هستند، باز بگذارند تا از این قضیه دستاویزی برای تمسخر و تکذیب بسازند.<sup>۱</sup>

### ۳. از پایان اوت تا ۱۵ نوامبر ۱۹۱۵: موفقیت روزافزون تدارکات آلمانی‌ها و تغییر اوضاع

در اواخر اوت ۱۹۱۵ / اواسط شوال ۱۳۳۳ بحران دولتی سرانجام پایان یافت. در ۱۷ اوت / ۶ شوال یک کابینه جدید تشکیل شد.<sup>۲</sup> با آنکه ریاست کابینه با مستوفی‌الممالک بود، که ضعفش «موجب می‌شد غالباً تحت تأثیر دشمنان» قرار گیرد، «چند نقطه روشن» یعنی شخصیت‌های موافق متفقین نیز وجود داشتند که تا حدودی این امیدواری را پدید می‌آوردند که سیر رویدادها در آینده کم‌تر به ضرر متفقین باشد.<sup>۳</sup>

دادن فراریان از خدمت نظام به وقوع پیوست، و نیز در مورد روابط انگلیسی‌ها با رهبران شیعیان در محل رجوع کنید به:

Ghassan, Atiyah, *Iraq 1908-1921: A political study*. Beirut, Arab Institute for research and publishing, 1973, pp. 80-85.

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 17 juin 1915, *AMAEF, NS, Perse*, vol. 19, N° 44, f° 134.

2. Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 172.

3. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 19 août 1915, *AMAEF, NS, Perse*, vol. 11, N° 55, f° 59.

با این حال، جمال‌زاده در گزارشی که برای وزارت امور خارجه آلمان تهیه کرد، اظهار داشت که این کابینه «بهترین دولتی است که ما می‌توانستیم انتظارش را داشته باشیم و تشکیل آن کاملاً با برنامه‌هایی که ملیون دنبال می‌کنند، هماهنگی دارد.» رجوع کنید به:

Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 172.

وزیر مختار فرانسه از میان این «شخصیت‌های برجسته»، به‌ویژه از دو رجل سیاسی نام می‌برد: سپهسالار که همواره طرفدار روس‌هاست و نیز امیدوارکننده‌تر برای هدف‌های متفقین و وثوق‌الدوله که «از یک سال پیش قربانی تنفر... دشمنان و حزب دموکرات شده است.»

متفقین، علی‌رغم اعتراض‌هایی چند، حاضر بودند کمک‌های مالی توافق شده به کابینه عین‌الدوله را پرداخت کنند. لوکنت تصور می‌کرد که این مساعدت می‌تواند برای متفقین اثرات مطلوب در برداشته باشد، به‌ویژه اگر مجلس ایران - مانع شماره یک در برابر چرخش ایران به سمت متفقین - می‌توانست «خود را از کینه‌های شخصی و القائات حقیرانه کنار بکشد»<sup>۱</sup>

به هر حال، با پایان گرفتن بحران دولتی در پایان اوت ۱۹۱۵ و علی‌رغم مجهز شدن روزافزون نیروهای آلمانی در مناطق گوناگون ایران، می‌توانیم در گزارش‌های وزیر مختار فرانسه ارزیابی‌های اندک خوشبینانه‌تری از اوضاع بیابیم. به نظر می‌آید لوکنت حتی امیدوار بوده است که بدون توسل به نیروهایی که وجودشان در نقاط دیگر برای دفاع از اهداف متفقین ضروری تر بوده است، برنامه سیاسی - نظامی متفقین در ایران تحقق یابد.

الف. نقشه متفقین برای اولتیماتوم دادن به ایران هنگام تشدید وخامت اوضاع  
در سپتامبر ۱۹۱۵

خوشبینی وزیر مختار فرانسه دیری نپایید. وی در ۸ سپتامبر ۱۹۱۵ / ۲۸ شوال ۱۳۳۳ ابراز نگرانی کرد که امیدواری او «دیگر بر پایه‌های آن چنان مستحکمی که [...] وی تصور می‌کرده است، مبتنی نیست.» در این فاصله، خبر جزئیات حمله شویمان به کاروان کنسول‌های روس و انگلیس به تهران رسید و اخبار نگران‌کننده‌تری درباره یک توطئه بزرگ علیه متفقین در اصفهان نیز در تهران پخش شد. علاوه بر این، در ۳ سپتامبر ۱۹۱۵ / ۲۳ شوال ۱۳۳۳ شاه، که از طرف وزیر مختار روسیه تحت فشار قرار گرفته بود که بازگشت کنسول‌های متفقین را

1 Lecomte à Delcassé, *ibid*.

به کرمانشاه تضمین کند، به این پاسخ اکتفا کرده بود که نظر... آلمانی‌ها را در این باره جویا خواهد شد.<sup>۱</sup>

در چنین شرایطی بود که وزرای مختار دو کشور متفق تصمیم گرفتند به حکومت ایران اولتیماتوم بدهند. متفقین در طرح خود از ایرانی‌ها می‌خواستند که صراحتاً جانب متفقین را بگیرند و علیه آلمانی‌ها عمل کنند. در اولتیماتوم آمده بود که اگر پاسخ ایران مثبت نباشد، متفقین بلافاصله پایتخت را ترک خواهند کرد.<sup>۲</sup>

در حالی که دواتر و مارلینگ در انتظار تصویب این طرح از جانب حکومت‌های خود بودند، وزیر مختار فرانسه برای رویارویی با وخامت اوضاع، برنامه ویژه خود را طرح‌ریزی کرد. به عقیده او دادن اولتیماتوم «هنوز بسیار زود» بود. با آنکه لوکنت خود متفقین را «راهنمایی» کرده بود که ایران را تهدید به ترک پایتخت کنند، به هیچ روی مایل نبود که این کار به همین سادگی صورت عمل به خود بگیرد. لوکنت هرگز نمی‌خواست که این تهدید صرفاً لفظی به صورت اولتیماتوم درآید، زیرا که جای هیچ‌گونه تدبیری برای حکومت ایران باقی نمی‌گذاشت. او بیشتر قصد داشت که به ایرانی‌ها بقبولاند که نباید به وعده‌های آلمانی‌ها کاملاً اعتماد کنند و عاقلانه‌تر آن است که متفقین را با خود همراه سازند. در این فاصله، وزیر مختار فرانسه مطلع شده بود که نظامیان روسی آماده‌اند تا با اعزام نیرو بازگشت کنسول‌های روس و انگلیس را به کرمانشاه تضمین و حمله آلمانی‌ها به کنگاور را نیز تلافی کنند. به محض اینکه لوکنت به تحقق «نقشه جنگی» خود امیدوار شد، بار دیگر از متفقین تقاضا کرد که نیروهای روسی را به حرکت درآورند. او پیشنهاد کرد که به منظور حمایت از بازگشت کنسول‌ها و همچنین به جهت ملاحظات استراتژیکی یک اقدام نظامی علیه

1 Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 8 septembre 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol. 19, N° 63*.

f 187

2 Olson, *Anglo-Iranian Relations*, op. cit., p. 100 sq.

مبتکر اصلی این طرح مارلینگ بود. او طرح خود را بر پایه پیشنهاد یک اسنمهال برای تمام دوره جنگ و سه سال پس از آن و نیز یک کمک مالی همراه با تصمیم احترام به تمامیت ارضی ایران بنا نهاده بود.

کرمانشاه صورت گیرد.

لوکنت کاملاً از اهمیت کرمانشاه آگاه شده بود. این شهر یگانه راه ورود آلمانی‌ها به ایران و تنها خط تدارکاتی آنان بود. او اظهار داشت:  
با استقرار در این محل، که آلمانی‌ها به درستی آن را برای حضور خود در ایران حیاتی به شمار می‌آورند [...] ما... [آخرین منفذ دشمنان خود را مسدود خواهیم کرد.

وزیر مختار فرانسه بر این مبنا توصیه کرد که فوراً هشتصد سوار روسی به کرمانشاه اعزام گردند و اضافه کرد که پس از رسیدن نیروهای دیگر، این واحدها می‌توانند تقویت شوند.

این بار نیز انگلیسی‌ها بودند که با نقشه فرانسوی‌ها، به این دلیل که به نظرشان بیش از حد تندروانه بود، مخالفت کردند. مارلینگ اعتراض کرد که این اقدام می‌تواند موجب آغاز جنگ از طرف آلمانی‌ها بشود؛ چیزی که به عقیده او به هیچ روی صلاح نبود. وزیر مختار فرانسه، با این ارزیابی که شروع جنگ از طرف آلمان حتمی نیست، بر پیشنهاد خود پافشاری کرد.<sup>۱</sup>

درباره تمایل ایرانی‌ها نسبت به آلمانی‌ها باید گفت که لوکنت همچنان امیدوار بود که مسئولان ایرانی یا حداقل «کسانی از میان ایرانیان که آینده‌نگر و اندیشمند بودند» آمادگی لازم را برای جانبداری از آلمان نداشته باشند. به نظر او، این تردید ایرانی‌ها ناشی از فشاری نبود که معمولاً هر اولتیماتومی می‌توانست بر آن‌ها وارد آورد و در اثر آن خود را ملزم به تسلیم ببینند، بلکه فقط ناشی از ترس آن‌ها از این مسئله بود که مشاهده کنند کشورشان

در تنگنای اقتصادی قرار گرفته و ناگزیر به رویارویی با واقعیت‌های ناخوشایندی شده است؛ وضعیتی که ما نتوانسته بودیم برایشان ترسیم کنیم. [...] و نیز شاهد باشند که [آلمانی‌ها] اسیر موفقیت ظاهری خود شده‌اند.<sup>۲</sup>

1. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 8 septembre 1915. *AMAEP, NS, Perse, vol. 19, N° 63, p. 187.*

۲. اگر گفته شود که آلمانی‌ها اسیر موفقیت‌های خود شدند کاملاً درست است؛ زیرا این همان چیزی بود که گرفتاری‌های آلمانی‌ها را در پایان تابستان ۱۹۱۵/۱۳۳۳ آشکار

بنابراین، درمی‌یابیم که بین طرز تفکر فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها در مورد چگونگی مقابله با شرایط حساس، اختلاف ژرفی وجود دارد. در آغاز سپتامبر ۱۹۱۵ / ۲۱ شوال ۱۳۳۳ مارلینگ آماده بود که چنانچه پاسخ اولتیماتوم مساعد نباشد، موقتاً پایتخت را ترک کند. لوکنت، برعکس، می‌گفت تا هر زمان که ممکن باشد باید در پایتخت بمانیم و تهران را «جز در لحظه‌نهایی» ترک نکنیم.

با کسب خبرهای امیدبخش درباره‌ی تصمیم مقامات نظامی روسیه مبنی بر تقویت نیروهای خود در ایران، وزیر مختار فرانسه فکر اجرای «نقشه جنگی» خود را از سرگرفت و تقاضای پیشروی نیروهای روسی را دوباره مطرح کرد. متفقین پیشنهاد تسلیم اولتیماتوم را تصویب نکردند<sup>۱</sup> و نقشه لوکنت هم تأیید نشد.

وزارت امور خارجه انگلستان تصمیم گرفته بود حکومت ایران را به اصطلاح بخرد. بریتانیایی‌ها اعلام کردند که آماده‌اند با شرایطی بسیار مناسب استمهال را بپذیرند و نیز ماهانه مبلغ پنجاه هزار لیره استرلینگ در طول جنگ به عنوان کمک به ایران بپردازند. علاوه بر این، دولت بریتانیا نه تنها با پیشنهاد اولتیماتوم

---

می‌ساخت. آلمانی‌ها، به ویژه در تهران، اصفهان، شیراز، کرمان و کرمانشاه، امیدهایی در دل مردم به وجود آورده بودند که برآورده کردن آن‌ها، حداقل در کوتاه مدت، امکان‌پذیر نبود. زایلر، مأمور آلمانی، که فعالیت او بیشتر در اصفهان بود، بعدها با نگاهی به گذشته، فعالیت‌های آلمانی‌ها را در سپتامبر ۱۹۱۵ / شوال - ذی‌قعدة ۱۳۳۳ به بالن بزرگی تشبیه کرد که دائماً در معرض تهدید بازماندن ناگهانی از صعود و حرکت بود. رجوع کنید به:

Gehrke, *Orientpolitik*, op. cit., p. 164, note 419.

۱. در کنار انگلیسی‌ها، حکومت هند قرار داشت که به ویژه با دادن اولتیماتوم مخالف بود، زیرا ترک احتمالی پایتخت توسط نمایندگان سیاسی متفقین را اقدام نادرستی می‌دانست که اعتبار و موقعیت انگلستان را در برابر ملل مسلمان خدشه‌دار می‌کرد. دولت روسیه نیز عقیده داشت که «می‌بایست پیش از هر چیز اطمینان حاصل کرد که در آن شرایط خطری متوجه سفارتخانه‌های متفقین در تهران نیست... از این گذشته، عزیمت وزرای مختار میدان را برای رقیب باز می‌گذاشت تا از آن بهره‌برداری کند.» طرح پرداخت کمک نقدی به ایران کاملاً رد نشد ولی روس‌ها تقاضا کردند «قبلاً موضوع پیش پرداخت را بررسی و برخی نظارت‌ها را نیز اعمال کنند.» در ضمن روس‌ها پیشنهاد کردند که به ایرانیان اطمینان داده شود که ارتباط شهرهای مقدس شیعیان واقع در عثمانی با ایران «به گونه‌ای برقرار خواهد شد.» رجوع کنید به:

Le télégramme de Paléologue à Delcassé, Pétrograd, le 12 septembre 1915 (transmis à Lecomte le 13 septembre 1915), *AMAEF, NS, Perse*, vol. 19, N° 1117, f° 193.

مخالف بود، بلکه از توسل به هر گونه اقدام نظامی خودداری کرد.<sup>۱</sup> لوکنت از روس‌ها نیز مأیوس شد، زیرا آن‌ها نیروهای خود را به اندازه‌ای که بتوانند اعمال قدرت کنند، افزایش نداده بودند. البته روس‌ها تصمیم داشتند با اعزام یک هزار سرباز، پادگان خود را در قزوین تقویت کنند، اما لوکنت معتقد بود که این اقدام کافی نیست، علاوه بر این، با گذشت چهار هفته از حمله آلمانی‌ها به کنگاور، هنوز برای متوقف کردن فعالیت‌های شونمان در کرمانشاه و احقاق حق کنسول‌ها هیچ اقدامی نشده بود. آلمانی‌ها حتی آن‌ها را، که در همدان پناه گرفته بودند، تهدید کرده بودند.

از سوی دیگر، روس‌ها در مورد تصویب طرح استمهال، یعنی مهم‌ترین وسیله غیرنظامی برای جلب نظر مساعد ایران، مسامحه می‌کردند.<sup>۲</sup> در مورد پیشنهاد روسیه برای واگذاری شهرهای مقدس شیعیان به ایران در برابر تعهد این کشور به طرفداری از متفقین، وزیر مختار فرانسه گزارش داد که انگلیسی‌ها با این طرح، که «بین‌النهرین را این چنین بذل و بخشش می‌کند»، به شدت مخالف‌اند. وزیر مختار فرانسه همچنین از اینکه ناگزیر شده بود رویدادهای نگران‌کننده جدیدی را گزارش دهد، ابراز تأسفک کرد. لوکنت بار دیگر شکوه سرداد که وزارت امور خارجه بریتانیا با تحریف کردن یا نادیده گرفتن گزارش‌های هشداردهنده وزیر مختار خود در ایران، شرایط را مساعد ارزیابی و نظرات خود را بر این مبنا به پاریس ارسال کرده است. اطلاعات وزارت امور خارجه بریتانیا عمدتاً همان

1. Olson, *Anglo-Iranian Relations*, op. cit., p. 103.

2. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 21 septembre 1915, *AMAEF. NS. Perse*, vol. 19, N° 68, F 200.

ایرانی‌ها خود نیز به کندی جریان مذاکرات کمک کردند. به محض اینکه کابینه عین‌الدوله نظر مساعد متفقین را نسبت به تقاضای کمک مالی مشاهده کرد، «بدون کمترین پروایی آنچه را که شب قبل به آن رضایت داده بود» انکار کرد. به این ترتیب، با استمهال «معطوف به گذشته» موافقت شد. مارلینگ و کابینه موافقت کردند که تاریخ شروع استمهال را از ابتدای سال فرار دهند. در حالی که مارلینگ تصور می‌کرد تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۱۵ یعنی آغاز سال شمسی مبداء قرارداد خواهد بود، دولت ایران اعلام کرد که آغاز پرداخت‌ها می‌بایست از اول سال ۱۹۱۵ میلادی باشد. وزیر مختار فرانسه در برابر این بازی سیاسی ماهرانه ایرانیان، یک بار دیگر نظر نامساعد خود را نسبت به آنان چنین بیان داشت «این است آن شرایطی که می‌بایست در آن‌ها مذاکرات با این فریبکاران بالفطره را دنبال کنیم» (Ibid).



اطلاعاتی بود که مارلینگ در اختیار وزیر مختار فرانسه نیز گذاشته بود و لوکنت قبلاً «لحن بسیار تند گزارش‌های مربوط به آن‌ها را تعدیل کرده» و مبنای آخرین گزارش‌های نه چندان مساعد خود قرار داده بود.<sup>۱</sup>

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۵ / ۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۳ پس از آنکه اوضاع در اصفهان به شدت خطرناک شد، کلیه اتباع متفقین از آن شهر خارج شدند. یازده فرانسوی و مدیر یونانی آلیانس اسرائیل، که تحت‌الحمايه فرانسه بود، نیز از جمله کسانی بودند که شهر را به سوی تهران ترک کردند. در ۱۵ سپتامبر، وزیر مختار فرانسه گزارش داد که «متفقین همگی از اصفهان خارج شده‌اند و اکنون شهر در اشغال دشمنان است.»

نقشه آلمان برای تغییر پایتخت بار دیگر ذهن وزیر مختار فرانسه را به خود مشغول می‌کند. وی خود را ناگزیر می‌بیند که نتایج ناگواری را که تحقق این طرح ممکن بود به بار آورد، گزارش کند.

آلمانی‌ها با در اختیار داشتن یک منطقه تحت نفوذ در مرکز ایران، «نفوذ انکار ناپذیری بر مسلمانان» به دست آورده بودند، چه در «غرب سنی‌نشین» و چه در «شرق هند و افغانی». وزیر مختار تأکید می‌کند که

این یک گام بسیار بلند در جهت تحقق طرح بزرگ آلمانی‌هاست [...] اتحاد اسلامی تحت حمایت حاجی ویلهلم.

اما علی‌رغم تلاش‌های وزیر مختار آلمان برای متقاعد کردن شاه جوان، او در همراهی با آلمانی‌ها تردید کرد. تردید وی بیشتر به سبب ترس از این شایعه بود که اگر احتمالاً او به اصفهان برود، روس‌ها می‌توانند پدرش محمدعلی شاه را که در اودسا در تبعید به سر می‌برد به سلطنت بازگردانند.<sup>۲</sup>

در شیراز نیز وضع «مرتباً بدتر می‌شود». براساس گزارش میرزا حسین، مأمور کنسولی فرانسه در شیراز، پیشوایان مذهبی در مساجد علیه انگلیسی‌ها اعلام جهاد کرده و به جمع‌آوری پول برای جنگ پرداخته‌اند؛ اقدامی که با

1. Lecomte à Delcassé, *ibid.*

2. Lecomte à Delcassé, Téhéran, le 15 septembre 1915, *AMAEF, NS, Perse, vol 19, N° 65, p 195.*